مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۱۵، دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸
شماره ۱۵ ریال

ما خواستار چگونه دموکراسی هستیم؟

تنوع و کثرت جریانهای سیاسی را باید با هماهنگی و وحدت‌عمل ترکیب کرد.

آزادی نباید به‌هرج و مرج میدان دهد و نظم و انضباط نباید بهانه استبداد و انحصارطلبی قرارگیرد. مسئله را چگونه باید حل کرد؟

حزب تودهٔ ایران، حزب باتجربه‌ای است، یعنی در فراز و نشیب یك زمانه دشوار مجبور شده است بیاندیشد و حقایق عام را بر واقعیات مشخص تطبیق دهد. به‌عبارت دیگر موفق شده است در کنار تئوری عمومی جنبش انقلابی، تئوری مشخص جنبش انقلابی در ایران را تنظیم نماید. این خصیصه حزب باید به‌نیروهای مترقی دیگر (که به‌ویژه از جهت جهان‌بینی عمومی با نظریات حزب موافقت دارند) توجه دهد که با سخن این حزب، باهمان‌نحو جدی که درخورد این سخن است، برخورد نمایند.

جناح لیبرال جنبش انقلابی معاصر ایران، مسئله «آزادی‌ها» را در مرکز تبلیغات خود قرار داده و باآن نه‌فقط ضدانقلاب، بلکه برخی

بقیه در صفحهٔ ۶

حزب تودهٔ ایران، حزب باتجربه‌ای است، یعنی در فراز و نشیب یك زمانه دشوار مجبور شده است بیاندیشد و حقایق عام را بر واقعیات مشخص تطبیق

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

عاملان واقعی ترور را در نیروهای ضدانقلابی جستجو و افشا کنید!

حزب تودهٔ ایران تأسف عمیق خود را از ترور آیت‌الله مرتضی مطهری اعلام می‌دارد و ترور و تروریسم را، بنا به اعتقاد اصولی خود، به‌شدت محکوم می‌کند!

به‌دنبال ترور سرلشگر قرنی، ترور آیت‌الله مرتضی مطهری، که یکی از همرزمان نزدیك امام خمینی بود، به‌حق احساس اندوه و تأسف عمیق همه‌محافل‌ملی و دمکراتیك جامعه مارا برانگیخت. مردم‌ایران طی مراسم و راه‌پیمائی‌های نیرومندی، خشم و نفرت خود را از این شیوه غدارانه آدمکشان ضدانقلابی نشان دادند.

حزب تودهٔ ایران، برحسب معتقدات اصولی‌خود، ترور وتروریسم را محکوم می‌کند و تاسف عمیق خویش را از این حادثه ابرازمی‌دارد.

این‌که نیروهای ضدانقلابی، تروریسم را جانشین مبارزه سیاسی کرده‌اند، نشانه ضعف و انفراد آن‌ها است. آن‌ها با این عمل می‌خواهند محیط عدم امنیت، سوءظن و رعب ایجاد کنند و تصور می‌کنند که با ایجاد این محیط بهتر می‌توانند اقدامات تخریبی و ضدانقلابی خود را دنبال کنند، بهتر می‌توانند بین نیروهای انقلابی تفرقه بیندازند. این شیوه دائمی آن‌ها است و نظایر آن علیه کلیه انقلابهای معاصر دیده شده است.

در پس ترورهای اخیر، تشخیص چهره سیاهکار سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی و صهیونیستی و دستگاه ورشکسته ساواك دشوار نیست. تنها این نیروها هستند که سود خود را در چنین تبه‌کاری‌هائی جستجو می‌کنند و بدین شیوه‌های بربرمنشانه دست‌می‌زنند، و درست همین نیروهای سیاه هستند که می‌کوشند این شیوه بربرمنشانه را به نیروهای چپ و به‌کمونیست‌ها نسبت دهند و بدین‌ترتیب با یك تیر دو

بقیه در صفحهٔ ۵

یاد شهید خسرو روزبه

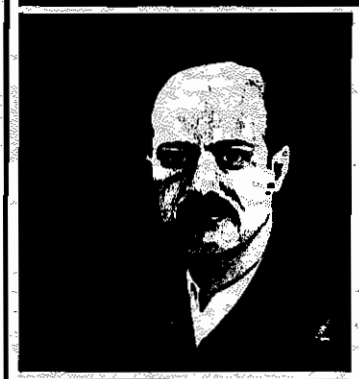

قهرمان ملی ایران و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران را گرامی بداریم!

روز ۲۱ اردیبهشت، بیست و یکمین سالگرد شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران است. خسرو روزبه، با شجاعتی کم‌نظیر در راه استقلال و آزادی ایران، در راه آرمان‌های حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، پیکار کرد و شهید شد، و به‌همین جهت از جانب خلق قهرمان ایران، قهرمان ملی ایران نام گرفت.

روز ۲۱ اردیبهشت امسال، در نخستین بهار آزادی، اعضا، هواداران و دوستداران حزب و همه مبارزان راه استقلال و آزادی ایران، برمزار خسرو روزبه، این فرزند قهرمان خلق ایران، حضور خواهند یافت و یادش را گرامی خواهند داشت.

محل تجمع: بهشت زهرا، بلوك ۶، ردیف ۱۴۵، شماره ۴۴
ساعت تجمع: ۱۱ صبح روز جمعه، ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸

تفاق‌افکنی زیر هر نام که باشد محکوم است

نفاق افکنی یا خمیرمایهٔ خطر برای همه

جشن روز اول ماه مه، که می‌بایست پایه وحدت همه نیروهای انقلابی را استوار تر از پیش سازد، در عین حال معیاری به‌دست داد که چگونه برخی از گروه‌ها و افراد به‌حساسیت لحظات کنونی‌بی‌توجه هستند و تحت تاثیر عواملی قرار می‌گیرند که می‌کوشند از احساسات آن‌ها استفاده کنند و آن‌ها را به‌بیراهه بکشانند وزمینه شکست انقلاب را فراهم کنند.

در همان حینی که توصیه آیت‌الله طالقانی بر روی یکی از پلاکات‌ها می‌درخشید و مسلمانان را فرامی‌خواند که «از درگیری با نیروهای غیر مذهبی بپرهیزید و سلاح مظلومیت بدست آن‌ها ندهید»، افرادی شعارهائی به‌میدان کشانیدند که نمی‌توان مطمئن بود دست‌های نامرئی و مرموزی در ترسیم آن‌ها شرکت نداشته است. از جمله گفته می‌شد:

«دین ما دین علی است، پیرو گمشو کمونیست»؛ در صورتی‌که مکتب فداکاری علی و فرزندان شهیدش علیه دستگاه جور و بیداد، همواره مورداحترام کمونیست‌های ایران بوده است. یا مثلا: «چین وشوروی و امریکا ــ دشمنان خلق‌ها»، که می‌تواند بسیاری را در شناخت دشمن واقعی انقلاب و دوست واقعی انقلاب دچار سردرگمی سازد، و مهمتر از همه این‌که، این‌ها شعارهائی است بس تحریك‌آمیز و نفاق افکن، که می‌تواند تخم نفاق را حد اقل در بین مردم ناآگاه بپاشد، که کمال مطلوب دشمنان خلق و معاویه‌های زمان است. هرشه‌کردن چنین شعارهائی، در لحظاتی که معاویه زمان‌ها و اربابان امپریالیست او علیه انقلاب چنگ‌و دندان بسوهان می‌زنند، تنها و تنها بسود آن‌ها تمام می‌شود ــ دشمنی که اگر بار دیگر کوچك‌ترین فرصتی بدست آورد، دمار از روزگار مذهبی و غیرمذهبی، افراطی و اعتدالی، کمونیست و غیر کمونیست و هرآن‌کس که روزی، حتی از روی اکراه

بقیه در صفحهٔ ۲

ریشه‌های نفوذ امپریالیسم امریکا، از بن باید کنده شود

ترور جنایت‌کارانه‌شادروان‌آیت‌الله‌مطهری، به‌دنبال قتل سرلشگر فقید قرنی، نشان‌دهنده این واقعیت هشدار دهنده است که شرایط انقلابی هارتر و متشکل‌تر می‌شود و گویای این واقعیت است که «سیا» و بازمانده‌های ساواك ــ شعبه «سیا» در ایران ــ دم بدم فعال‌تر می‌گردند.

امپریالیست‌های یانکی، زیر ضربه انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیك وخلقی ما، مواضع مهمی را در ایران از دست داده‌اند، ولی هنوز چنان موقعیت ووسائلی در کشور ما در اختیار دارند، که آن‌طارا به‌بازپس‌گرفتن مواضع از دست رفته امیدوار می‌کند، بدان‌نحو امکان می‌دهدکه به‌انواع توطئه‌های ضد انقلابی دست‌یازند، بتوانند بهشیوه معمول خود، شخصیت‌های انقلابی را به‌قصد ایجاد یاس و تشویش در مردم در تاریکی ترور کنند، شبکه جاسوسی «سیا» در ایران هنوز به‌طورعمده بابرجاست، شاخه های ساواکی آن باقی است، گروه بزرگی از متنفذان نظامی امریکائی هنوز در ارتش «کار» می‌کنند، و عجب اینجاست که روش رسمی دولتی نسبت به‌این وضع چنان با مسامحه و خونسردی همراه است که امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی احساس می‌کنند که توفان انقلاب گذشته و دیگر کم نمی‌توانند سرپاشد کنند. این احساس هم‌اکنون تا آنجا قوت گرفته که سرمایه‌داران بزرگ وابسته به‌امپریالیسم، که موقعیت خود را در امان می‌بینند، در راه توطئه‌گری‌های ضد انقلابی پول‌های گزاف خرج می‌کنند. تا مواضع امپریالیسم امریکا درایران‌به‌کلی درهم کوبیده نشود، تا سلطه امپریالیسم در ایران تماما ریشه‌کن نگردد، خطر انواع دسائس ضد انقلابی، از جمله ترور شخصیت‌های بزرگ انقلابی، خطر تدارك حمله ضد انقلاب باقی است.

ترور جنایت‌کارانه آیت‌الله مطهری و سرلشگر قرنی، اگر از سوئی نشان می‌دهد که امپریالیسم امریکا برای بازپس‌گرفتن آنچه‌را که از دست داده، چنگ‌می‌اندازد، از سوی دیگر حکم می‌کند که برای پیشبرد امر انقلاب باید قاطع بود، درقبال دشمن انقلاب آشتی‌ناپذیر بود، در نیمه‌راه انقلاب درنگ‌را جایز نشمرد، ریشه‌های نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی‌وفرهنگی امپریالیسم را ازبن و برای همیشه برکند. انقلاب ــ هیچ انقلابی، از جمله انقلاب ایران ــ نمی‌تواند در نیمه‌راه متوقف شود. انقلاب یا باید به‌هدف‌های اصیل خود پیروزمندانه برسد و یا اگر حرکت پیشرونده آن متوقف گردد، به‌ناچار واپس می‌نشیند، امید دردل ضد انقلاب‌برانگیخته

بقیه در صفحهٔ ۵

کمکی کوچك، گویای حقیقتی بزرگ

چند روزپیش، شخصی به‌دفتر روزنامهٔ «مردم» مراجعه نمود، برای این که به روزنامه ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران مبلغی کمك مالی کند، او را به‌صندوق روزنامه هدایت کردند. وی خطاب به‌مسئول صندوق گفت: قبل از پرداخت مبلغی از طرف خودم، می‌خواهم یازده تومان از طرف «مادرزن آقارضا» بپردازم. مادر حلقه انگشتری خود را برای کمك به مستضعفین فروخته و سفارش کرده است که پول آن به حزب توده تحویل شود. «مادر» گفته است: «شوهرم که وفات یافته، عضو حزب توده بود و من این پول را به‌حزب توده می‌دهم.»

این کمك کوچك، گویای حقیقتی بزرگ است: حزب توده ایران، به‌رغم سالیان دراز تبلیغات زهرآگین طاغوتی، در میان توده‌ها ریشه‌های عمیق و کهن دارد و زحمتکشان و ستمدیدگان، به‌رغم سالیان دراز تبلیغات زهرآگین طاغوتی، حزب تودهٔ ایران را «حزب خود» می‌دانند.

از «مادر»، این یار وفادار حزب تودهٔ‌ایران، از صمیم قلب سپاسگزاریم و در برابرش سرتعظیم فرود می‌آوریم.

کمك مالی به‌حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان!

حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به‌تأکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به‌خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعهٔ ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به‌قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمك مالی به حزب تودهٔ ایران یك وظیفهٔ انقلابی است. فداکاری‌های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرورانگیز است. اکنون نیز ما اطمینان داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همهٔ کسانی که به‌پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقهٔ کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمك مالی را می‌توان مستقیماً به‌دفتر حزب داد و یا با تلفن آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمك داده خواهد شد. علاوه براین علاقه‌مندان می‌توانند کمك مالی خود را به‌حساب بانکی زیرین بپردازند:

شماره حساب بانکی: ۲۲۳۲، شعبهٔ ۴۱۸ بانك ملی ایران، شاه اسماعیل صفوی، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی، تلفن: ۹۲۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹

اخبار ایران

ترور، کار امپریالیسم و ارتجاع است.

ترور آیت‌الله مطهری، به‌دنبال ترور سرلشکر قرنی و همچنین تهدید به ترور شخصیت‌های دیگر سیاسی، آشکارا نشان داد که امپریالیسم و ارتجاع و ابزارهای آدمکش آن‌ها، سیا و ساواک، برای نیل به‌هدف‌های ضد انقلابی خود از هیچ جنایتی ابا ندارند. این ترورها بار دیگر ثابت کرد که دشمن اصلی کیست، بار دیگر هشدار داد که می‌باید با قاطعیت ضد انقلاب را افشا و سرکوب کرد، بار دیگر تاکید کرد که ضامن پیروزی در سرکوب ضدانقلاب، اتحاد همه نیروهای انقلابی و خلقی است.

خشم و نفرتی که مردم ایران به‌مناسبت شهادت آیت‌الله مطهری، نسبت به‌عاملان این جنایت قبیح، امریکا، اسرائیل و عمال ایرانی آن‌ها ابراز کردند، و سوگواری و تظاهرات کم‌نظیر و متحدی که برگزار شد، این امید را تقویت می‌کند که مردم ایران، صرف‌نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مذهبی و مسلکی خود، اگر متحد شوند می‌توانند لطمه‌های ضدانقلاب را عقیم گذارند.

دانشجویان‌مسلمان و توده‌ای در اجتماع به‌خاطر محکوم کردن ترور آیت‌الله مطهری

روز چهارشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸، در اجتماع بزرگی از جانب‌دانشجویان مسلمان، در جلو بیمارستان طرفه، ترور آیت‌الله مطهری طی قطعنامه‌ای محکوم شد. در این قطعنامه از جمله گفته می‌شود که:

«در این لحظات حساس انقلاب و ضمن ابراز انزجار از توطئه مشترک امریکا و اسرائیل، به‌رهبری بیا و سازمان جاسوسی اسرائیل، این عمل را به‌شدت محکوم کرده و از دولت آقای مهندس بازرگان خواستار اقدام فوری و شدید در امر تعقیب و مجازات عاملان آن می‌باشیم و در این زمینه خودما نیز تا آخرین حد ممکن کوشش خواهیم کرد.»

شعارهائی که در این اجتماع از جانب دانشجویان داده می‌شد، از جمله عبارت بودند از:

تا مرگ دشمن خلق نهضت ادامه دارد.
امامت خمینی عامل وحدت ماست
امریکا، اسرائیل دشمن خلق ایران
توطئه، تفرقه به‌هر عنوان نابود است
کشتن آزادگان توطئه امریکاست
انقلاب پیروز است، تروریسم نابود است

در این اجتماع، دانشجویان هوادار حزب تودهٔ ایران نیز شرکت داشتند و بدین‌وسیله همبستگی خویش را با برادران مسلمان خود تاکید کردند.

وحدت را فراموش نکنید

آقای دکتر کریم سنجابی وزیر خارجه مستعفی دولت موقت و دبیر جبهه ملی ایران، در مصاحبه‌ای با خبرگزاری پارس، که در مطبوعات ایران نیز انعکاس یافت، درباره فعالیت مشترک جبهه ملی ایران و حزب تودهٔ ایران در یک جبهه واحد، مطالبی را برزبان آورد، که ما آن را نه‌تنها بی‌لطفی ایشان، بلکه ناشی از عدم آگاهی لازم ایشان درباره تاریخ سراسر پیکار حزب تودهٔ ایران در راه آزادی و استقلال ملی ایران می‌دانیم. این نوع اظهارنظرهای یک‌طرفه، که چاشنی از بی‌مسئولیتی نیز دارد، در این لحظات حساس و تاریخی، که خلق ایران بیش از هرزمان لباز به‌وحدت و یکپارچگی دارد، تا از دستاوردهای انقلاب دفاع کند و هرسدی را که بر سر راه ادامه انقلاب وجود دارد، درهم بشکند، واقعا تاسف‌انگیز و تعجب‌آور است. اگر نسل جدید به‌خاطر نداشته باشد، بی‌شک ایشان به‌خاطر دارند که در طول نخست وزیری دکتر محمد مصدق، که ایشان یکی از وزرای کابینه‌شان بودند، نیز ما از «وحدت»، به‌عنوان تنها سلاح درهم‌کوبنده هرتوطئه‌ای دفاع می‌کردیم. برای ما جالب است بدانیم که ۲۶ سال نشنیده گرفتن این شعار و برزبان آوردن بیانائی خلاف آن، بعد از آن همه تجربه تلخ، که هم ما و هم ایشان‌به‌خوبی از آن اطلاع داریم، چه دلیلی دارد؟

برای ما واقعا جالب است بدانیم منظور آقای سنجابی از این جمله که «اگر حزب توده از گذشته خود عبرت گرفته باید نشان دهد که یک حزب ایرانی است و برای ایران و با فکر ایرانی کارمی‌کند»چیست؟ و این جمله را که: «حزب توده همواره دنباله‌رو یک سیاست خارجی بوده»، چگونه تفسیر می‌کنند؟

هنوز فریاد دهها عاشق وطن، که به‌جرم وفاداری به حزب تودهٔ ایران، در بی‌دادگاه‌های رژیم شاه مخلوع به‌محاکمه کشیده شدند و در میدان‌های تیرباران، با فریاد «زنده باد حزب تودهٔ ایران» و «افتخار بر خلق قهرمان ایران»، جان دادند، در گوش میلیون‌ها ایرانی طنین‌افکن است. آقای دکتر سنجابی از گذشته حزبی به‌بدی یاد می‌کند که، دفاعیات نسل اعدام شده و زندان‌کشیده آن، درپرتو دو نسل قدیم و جدید ایران، چراغ راهنمای وطن‌پرستی، آزادی‌طلبی، ترقی‌خواهی و انسان‌دوستی است. اگر منظور ایشان درس گرفتن از زندگی سیاه‌ها، روزبه‌ها، مهری‌ها، مختاری‌ها، وکیلی‌ها، حکمت‌جوها، تیزابی‌ها و دهها شهید قهرمان حزب توده ایران است که ما ضمن تفکر از این راهنمائی، اعلام می‌کنیم که زندگی تمام شهدای حزب تودهٔ ایران در راه آرمان‌های انسانی و میهن‌پرستانه آن‌ها، سرمشق تمام کسانی است که اکنون پرچم پرافتخار و خونین حزب توده ایران را در دست دارند و با گام‌های استوار پیش می‌روند. و اگر مقصود اتهام‌زنی و لکه‌افکنی است، آن‌وقت برای هرایرانی وطن‌پرست، مبارز، انقلابی و با احساس مسئولیت بی‌اختیار این سئوال مطرح می‌شود که آیا هنوز زمان آن فرا نرسیده، که تاریخ معاصر را یکبار دیگر و عمیق‌تر، مرور کنیم و از آن درس واقعی بگیریم؟

استقبال مردم از قطع رابطه ایران و رژیم خائن سادات

قطع رابطه ایران با رژیم خائن سادات، که به‌دستور امام خمینی صورت گرفت، با شور و شعفی کم‌نظیر در سراسر ایران استقبال شد. گزارش‌های خبرنگاران ما از شهرستان‌ها حکایت از برپائی جشن و سرور از سوی مردم به‌مناسبت این قطع رابطه دارد. خلق ایران در تمام سال‌های گذشته، که سرزمین اعراب مورد تجاوز صهیونیسم قرار گرفته، آرزو داشته که ایران درکنار خلق فلسطین و سایر برادران عرب خود قرار داشته باشد، اما رژیم سرسپرده به‌امریکای شاه مخلوع، همواره درکنار صهیونیست‌ها و تجاوزگران، با این آرمان انسانی خلق ایران مخالفت می‌کرد. به‌همین دلیل سیاست پشتیبانی قاطع و عملی از خلق فلسطین، که قطع رابطه با رژیم خائن سادات بازتابی از آن است، با استقبال عمومی روبرو شد.

اسناد توطئه‌های رژیم شاه مخلوع را برای آگاهی مردم منتشر کنید

رژیم سرسپرده شاه مخلوع، درسال‌های گذشته، در کنار مرتجع‌ترین و ضدانسانی‌ترین حکومت‌ها، در سرکوب قیام‌های به‌حق خلق‌های دیگر نیز لقش داشته و از شرکت در هیچ توطئه‌ای برای ایجاد موانع بر سر راه انقلاب این خلق‌ها دریغ نکرده است. بدون شک اسناد بسیاری در این زمینه، با سقوط رژیم شاه ــ ساواک، اکنون در دست دولت و رهبران انقلاب، که مردم بی‌صبرانه در انتظار برملا شدن آن‌ها هستند. مردم می‌خواهند بدانند که در تمام سال‌هائی که از کم و کیف روابط خارجی رژیم ایران فقط چند خط خبر، مربوط به‌سفر فلان مقام به‌ایران و یا سفر رسمی و علنی فلان‌مقام ایران به فلان کشور، در روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون منتشر می‌شد، رژیم سابق ایران چه نوع رابطه‌ای با دیگر کشورها داشته است؟ ساواک چگونه نقش تخریبی در کشورهای در حال انقلاب بازی می‌کرده است و میلیون‌ها دلار پول نفت ایران از چه راه‌هائی و در چه کشورهائی برای سرکوب انقلاب‌ها مصرف می‌شده است؟

از این نوع رابطه‌های رژیم ساقط شده پهلوی با کشورهای متجاوز، در چند روز گذشته، در رابطه با به‌اصطلاح دولت جدید زیمبابوه (رودزیا)، خبری منتشر شد که باعث حیرت میلیون‌ها ایرانی گردید. این خبر در جهت برملا شدن آخرین نقش امپریالیسم در رودزیا، توسط رژیم مزدور این کشور، که منجر به نخست وزیری اسقف موزورو! شده انعکاسی وسیع و افتضاح‌آمیز داشت.

دولت ایران بعد از انجام انتخابات قلابی در رودزیا، اعلام داشت که هرگونه شناسائی دولت جدید غیرقانونی زیمبابوه را محکوم و از جبهه میهن‌پرستان دفاع می‌کند، امری که مورد تایید ماست. در همین خبر، برای نخستین‌بار فاش شد که ساواک کار تعلیم افراد امنیتی اسقف موزورو، رهبر حزب ثوروای ملی اتحاد افریقای زیمبابوه، که با سازش با یان‌اسمیت به نخست‌وزیری رسیده است، به‌عهده داشته و پول آن نیز توسط همین سازمان جهنمی تامین می‌شده است. در همین خبر فاش شد که مخارج خصوصی و تحصیلی فرزندان نخست‌وزیر جدید رودزیا، درکشورهای خارج، از طرف رژیم سرسپرده شاه ــ ساواک تامین می‌شده است!

نفاق افکنی...

«مرگ برشاه و امپریالیزم حامی او» کهنه است، درمی‌آورد.

در شرایطی که محمدرضای سیاه‌کار، این ابن‌سعد و معاویه زمان، با خشم وکین فریاد می‌کند که «اگر انقلاب پیروزشد، به‌علت سست‌کاری ساواک بود و این‌بار چنان دستگاه ساواک با انضباطی به‌وجود می‌آوریم که به‌احدی مجال ستیز ندهیم»، طرح این شعارهای تحریک‌آمیز ونفاق‌افکن به‌سود چه‌کسی تمام می‌شود؟ آیا شانی‌که این شعارها را پمیدان می‌کشند، لحظه‌ای به‌این واقعیت اندیشیده‌اند که محمدرضای جلاد هم با همین حربه خون میریخت؟ آیا گمان می‌برند که اگر حریف بار دیگر فرصت به‌دست آورد، حتی برخود آن‌ها، برخاندان آن‌ها، برکسان و عزیزان آن‌ها هم ابقا خواهد کرد؟ آیا برای لحظه‌ای اندیشیده‌اند که نفاق بین نیروهای‌انقلابی، بهترین روزنه‌ای است که دشمن و ضد انقلاب، از آنجا سربدرون می‌کند و کسانی که چنین روزنه‌ای برای دشمن بگشایند، بخواهند یا نخواهند آگاه‌باشند یانباشند، عملا بانقلاب و آرمان‌های‌انقلابی پشت‌کرده‌اند؟ این نکته‌ای است که پیوسته مورد توجه امام خمینی و دیگر رهبران راستین انقلاب بوده و آن‌ها در هر فرصت به‌این معنا اشاره کرده‌اند.

اتحاد نیروهای انقلابی ضامن‌پیروزی قطعی انقلاب است

خون‌هائی که مانند سیل از اجسادمثله شدهٔ مردم میهن ما جاری گردید، مانند سیل هم تاج و تخت جبارترین طاغوت‌های زمان را، که دژخیم مردم خود و نوکر حلقه به‌گوش قدرت‌های امپریالیستی بود، از جای برکند و سرنگون ساخت. اما ریشه‌های زهرآگین و زهر پروران هنوز برجای باقی هستند. دشمن با امکانات مالی فوق‌العاده وسیع خود که از شام شب‌مردم این کشور، اعم از مذهبی و غیرمذهبی، دکمونیست و غیر کمونیست، دزدیده شده، فرصت برای آغاز حمله می‌جوید، حتی می‌توان گفت که از هم‌اکنون دست به حمله‌های آزمایشی زده است. ضد انقلاب سربلند کرده و جسورانه هم سربلندکرده است. حوادثی که طی همین مدت کوتاه برمیهن ما گذشته و می‌گذرد، و ازآن‌جمله پیاده کردن نقشه تروریستی، به‌مثابه پیشگام حمله‌های بعدی، گواه بر عظمت مطلب و مسئولیتی است که تمام نیروهای انقلابی برعهده دارند. ترور سرلشکر قرنی، و ترور آیت‌الله مطهری صدای ناقوس خطر را هرچه رساتر به‌گوش ما می‌رساند و آگاهی و هشیاری و وحدت عمل بیشتری را از ما طلب می‌کند. برای جلوگیری از این خطر عمده و اصلی و سرکوب قطعی ضد انقلاب، ما نیازمندهمان وحدتی هستیم که در پرتو آن، محمدرضای جبار را از تخت سلطنت به‌زیر کشیدیم و بدان سر دنیا پرتاب کردیم. خطر عمده و اصلی را فراموش کردن و دستخوش احساسات تعصب‌آمیز شدن و تخم نفاق پراکندن نابخردانه‌ترین کار است، تکرار کنیم که هرگروه و هر فردی که در این شرایط خطیر، با شیوهٔ نفاق‌افکنانه، سبب برهم‌خوردن وحدت عمل نیروهای انقلابی بشود که دستاوردهای انقلاب را آسیب‌پذیر سازد، بخواهد یا نخواهد، از نتایج عمل خود آگاه باشد یا نباشد، دریچه‌ای بسر روی دشمن گشوده است. آیا دست‌های خونینی که آیت‌الله مطهری را در خون غلتانید، به خاطر اسلام و شعائر اسلامی مرتکب این تبه‌کاری شد، دشمن اصلی و اصولی اسلام، قاتلان آیت‌الله و برانگیزندگان و فرماندهان آن‌ها،ازمعاویه زمان و دستگاه سیا گرفته تا باقی‌ماندگان سازمان جهنمی ساواک هستند؟

به‌همین دوران بیست و شش‌ساله گذشته بنگرید تا بدانید که امپریالیسم و ارتجاع برای همه دشمنان خود، صرف‌نظر ازتفاوت سیاسی و مسلکی، چه آینده سیاهی تدارک می‌بینند. آنگاه بجست و جوی ارواح خبیث و محرکین سیاه‌کاری باید گشت که برخی‌ها رابه‌بیراهه می‌کشانند. دشمن‌حقیقی اصول انسانی و مترقی اسلام، که ما هم آنرا محترم می‌شماریم و ارج می‌نهیم کیست؟ مگر همان دستگاه خونخوار محمد رضاشاهی نبود که صدهای از رزمنده‌ترین توده‌ای‌ها را در کنار عده‌ای از بهترین و صادق‌ترین مسلمانان بزیر شکنجه کشانید و بدست جوخه‌های اعدام سپرد؟ مگر این دستگاه نبود که هوادار امام خمینی، توده‌ای، مجاهد، فدائی، مصدقی و هر میهن‌پرست و آزادی‌خواه دیگری را در یک صف گلوله‌باران کرد؟ مگر این خون‌های پاک ریخته شده، نباید

بقیه در صفحهٔ ۷

آگهی انتشار:
ازاین‌پس «مردم» سه شماره در هفته: شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشرمی‌شود

سیستم بهداشت و درمان

مخروبه‌ای که بازسازی آن احتیاج به‌برنامه‌ریزی دقیق و علمی دارد

حزب تودهٔ ایران، حزب طبقهٔ کارگر ایران، در برنامه موقتی که برای رفع خرابی‌های سیستم بهداشت و درمان کشور به‌وزارت بهداری ارائه کرد، یادآور شد که ما در مسئله بهداشت عمومی و درمان، وارث یک خرابه عظیم هستیم. در واقع هم رژیم ضدملی و فاسد شاه مخلوع، همانطوری که در مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و نظامی، مملکت را به‌ورشکستگی و وابستگی کامل به‌امپریالیسم کشانید، در مورد بهداشت و درمان هم جز یک سیستم ویران و کاملا وابسته به‌امپریالیسم، چیزی برای ما بجا نگذاشت.

آقای دکتر سامی، وزیر بهداری و بهزیستی، طی بیاناتی که در روزنامه کیهان (دوشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۵۸) بچاپ رسیده است، راه حل معضلات کنونی بهداشت و درمان را ملی کردن این امور دانسته‌اند. ملی کردن هم یعنی ارائه خدمات بهداشتی ودرمانی به‌طور رایگان برای همه. حزب تودهٔ ایران، به‌عنوان حزبی که‌قاطعانه در منافع کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان دفاع می‌کند، ضمن اظهار خوشنودی از این که، عقیده وزارت بهداری درباره بهداشت عمومی و طب رایگان، به‌طور کلی با نظر حزب، مطابقت دارد و با تایید نظریات وزیربهداری و بهزیستی، خود را موظف می‌داند که نکات زیرین را یادآور شود.

قبل از هرچیز باید یادآوری‌کنیم که مسئله بهداشت و درمان از سیستم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدا نیست. چنانچه هنگام طرح مسائل بهداشت و درمان و برنامه‌ریزی درباره آن‌ها، به‌این رابطه نزدیک و حیاتی توجه نشود، مشکلات بزرگی بروز خواهد کرد. به‌عبارت دیگر، دگرگون کردن وضع بهداشت و درمان باید با دگرگونی‌های انقلابی در سیستم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی همراه و هماهنگ باشد.

برای اجرای یک برنامه بهداشت و درمان مترقی باید مشکلات راشناخت. ما در زیر به‌چند معضل عمده اشاره می‌کنیم:

عمده‌ترین مشکلات کدامند؟

* بهداشت و درمان کشورما، در اثر خیانت رژیم منفور پهلوی، کاملا به کشورهای امپریالیستی وابسته است. این وابستگی‌ها به‌طور مشخص عبارتند از:

الف. تربیت کادر پزشکی و حتی کادرهای پرستاری و بسیاری از رشته‌های دیگر وابسته به پزشکی، به‌طور عمده در کشورهای امپریالیستی انجام می‌شود. آموزش پزشکی درحود کشور هم از روی‌سیستم‌های آموزشی کشورهای‌امپریالیستی کپیه شده است. این وابستگی به‌کشورهای امپریالیستی، خود باعث‌می‌شود که از طرفی تربیت کادرها متناسب با احتیاجات کشور نباشد و از سوی دیگر پدیده‌ای چون «فرار مغزها» دامنگیر مملکت شود.

ب. از نظر تامین دارو، چه داروهای وارداتی و چه داروهائی که در داخل کشور تولید ــ دقیق‌تر بگوئیم موتاژ ــ می‌شوند، کاملاتابع و وابسته به‌کشورهای امپریالیستی هستیم.

پ. نظام بیمه‌های درمانی و ارائه خدمات پزشکی از روی بدترین، نارساترین و ضدمردمی‌ترین نظام‌های کشورهای امپریالیستی رونویس شده است، و به‌علت رواج رشوه‌خواری، دزدی و غارت بودجه‌های بهداشتی و درمانی، شکل خاصی که به‌مراتب فاسدتر و ضدمردمی‌تر از سیستم درمانی کشورهای غربی است، به‌خود گرفته است.

ت. رواج سیستم پزشکی و درمان خصوصی، که به‌رغم مقاومت‌ها واعتراض های شدید اکثریت پزشکان و توده‌های زحمتکش مردم، با لجاجت از روی سیستم‌های رایج درکشورهای عمده سرمایه‌داری و بخصوص کشور امپریالیستی امریکا کپیه و بما تحمیل شد، این وابستگی اسارت‌آور را تشدید کرده است.

* کمبود کادر متخصص امور بهداشت و نقصان عظیم کادرهای درمانی، مانند پزشک، پرستار، کمک پرستار، قابله، داروساز و بخصوص ناچیز بودن نزدیک به فقدان کادر طب پیشگیر، که خود از سیاست ضدمردمی و وابسته به‌امپریالیسم رژیم گذشته ناشی می‌شود.

* کمبود وحشت‌آور موسسات بهداشتی و درمانی و طب پیگیر در سراسر کشور و بویژه در ایالات، شهرها و روستاهای کشور.

* عدم توجه به‌مسائل تعلیم و تربیت و تبلیغات صحیح درباره مسائل بهداشتی، درمانی و پیشگیری از بیماری‌ها، باعث شده است که ما درزمینه آگاهی مردم به‌مسائل بهداشت و درمان هم، وارث یک سیستم به‌معنی واقعی کلمه خراب و آلوده به‌خرافات باشیم.

* عدم‌توجه به‌ورزش توده‌ای و ایجاد امکانات تفریحات سالم برای جوانان و توده‌های وسیع زحمتکشان شهر و ده، باعث شده است که اولا از ورزش، به‌عنوان یک عامل بسیار مهم در سالم نگه داشتن جسم و روان، استفاده نشود و ثانیاً ما امروز وارث ده‌ها و صدها هزار جوان معتاد به مواد مخدر باشیم.

* سیستم اداری و اجرائی امور بهداشت و درمان، که یک دستگاه متورم و در عین‌حال فاقد کارآئی است، به‌صورت ارثی شوم بما رسیده است.

* مسموم بودن روابط چندجانبه بین پزشک و بیمار و دستگاه‌های دولتی مسئول امور بهداشت و درمان، که به‌خاطر ایجاد تضادهای مصنوعی و به‌جان‌هم‌انداختن مردم، از طرف رژیم سابق و دستگاه‌های تبلیغاتی آن، از روی نقشه و بطور عمد بوجود آمده است.

* و بالاخره مشکلات ناشی از وضع جغرافیائی کشور، دورافتادگی دهات وشهرها و عدم وجود راه‌های ارتباطی مناسب.

برنامه سازنده

با توجه به‌مشکلات عمده‌ای که از آن‌ها یادکردیم، به‌خوبی روشن می‌شود که حل بغرنجی‌ها و معضلات امور بهداشت و درمان کشور، تنها با دادن شعار «بهداشت و طب ملی»، ممکن نیست. باید برنامه‌ای تهیه کرد که:

بقیه در صفحهٔ ۶

از تاریخ بیلوزیم

آنچه غیرقانونی شدن حزب تودهٔ ایران نامیده‌اند یک توطئهٔ جنایت‌کارانهٔ امپریالیستی و ارتجاعی است

تصمیم واشنگتن و لندن:

تابستان ۱۳۳۷، شاه مخلوع «به طور غیر رسمی» به انگلستان سفر کرد و در این سفر به اصطلاح غیر رسمی، مهمترین مسائل داخلی و خارجی کشور ما را با مقامات انگلیسی مورد بررسی قرارداد. اندیشهٔ مرکزی مذاکرات محرمانه و «غیر رسمی» لندن عبارت از این بود که انگلیسها به شاه مخلوع کمک کنند که قانون اساسی را تغییر دهد و قدرت مطلقه‌ای برقرار نماید، و در مقابل، با استفاده از این قدرت مطلقه، مسئله نفت را بسود انگلستان حل کند. توضیح این‌که، درست در همین زمان، افکار عمومی بشدت علیه شرکت نفت انگلیس برانگیخته بود و دولت ، طبق مصوبات مجلس، وظیفه داشت که حقوق ایران را در نفت جنوب از شرکت انگلیس بگیرد.

هفته‌نامهٔ اسپکتاتور، چاپ انگلستان، دربارهٔ مذاکرات شاه مخلوع با مقامات انگلیسی نوشت:

«قرائن زیادی در دست است که ایران داخل یکی از آن دوره‌های بحرانی گردیده است که جلوگیری از وقوع تغییرات شدیدی غیر ممکن است. مقتضیات کنونی احتمال تقویت قدرت شاه را زیاد کرده است. احتمال دارد که شاه در سفر غیر رسمی به انگلستان پشتیبانی این دولت را برای تحکیم تسلط خود در کشور خواستار شده باشد.»

پس از بازگشت شاه مخلوع از انگلستان، هم مذاکرات پشت پردهٔ نفت آغاز شد و هم تدارک پشت‌پرده نوعی کودتای درباری. حزب تودهٔ ایران، که علی‌رغم آن‌همه فشار، از نو قدرت گرفته بود، در هر دو مورد: هم نفت و هم دیکتاتوری، موضع روشن و قاطعی داشت و «در آن زمان بزرگترین سازمان متشکل کشور بود که مردم را برای مقابله با امپریالیسم و ارتجاع تجهیز می‌کرد و لذا دشمنان مردم نیز جلوگیری از فعالیت حزب تودهٔ ایران را مقدمه‌ای برای پیشبرد مقاصد خود می‌دانستند.

۸ مهرماه ۱۳۳۷ مذاکرات پنهانی نفت میان کابینهٔ هژیر و نمایندگان شرکت نفت انگلیس آغاز گردید و همزمان با آن هجوم به حزب تودهٔ ایران تشدید شد.

۱۸ مهرماه شورای دانشگاه تصویب کرد که دانشجویان در محیط دانشگاه، نباید در امور سیاسی دخالت کنند و باید هنگام ورود به دانشگاه تعهد بسپارند که در تمام دوران تحصیلی خود در محیط دانشگاه به‌هیچوجه در امور سیاسی و تبلیغاتی و مرامی و مسلکی دخالت و فعالیتی نکنند.»

[این تصویب‌نامه، که صنفیاً علیه حزب تودهٔ ایران متوجه بود، بنا به دستور ستاد ارتش صادر شد و نخستین اقدام «قانونی» برای جلوگیری از فعالیت آزاد حزب‌ماست.]

به دنبال این تصمیم، در مطبوعات اعلام شد که «برای ترور رهبران حزب تودهٔ ایران توطئه می‌چینند.» موج ترور و خطر اختناق به حدی شدید شد که **۲۵ مهرماه**، عبدالقدیر آزاد، وکیل مجلس، از دولت هژیر به‌علت «سلب امنیت و اختناق آزادی و توقیف جراید» استیضاح کرد. [«مردم»، ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران از مدت‌ها پیش توقیف بود و به جای آن «رزم» منتشر میشد.]

۲۶ مهرماه، خبر رسید که «بدنبال اقدامات علیه آزادی فکر و بیان در میان دانشگاهیان، وزارت فرهنگ جمعی از آموزگاران و دبیران را تبعید کرده است» (این معلمین متهم به عضویت و یا هواداری از حزب تودهٔ ایران بودند.)

۲۷ مهرماه روزنامه مردم اطلاع داد که «حزب انتقام از گروهبانها و... تشکیل شده و مستشاران و اعضای میسیونهای مذهبی امریکائی آنرا رهبری می‌کنند. واحدهای اصلی آن با مقامات مسئولیت‌دار کشور ارتباط دارند.» و این «حزب» مأمور ترور رهبران حزب تودهٔ ایران است.

«رزم» (بجای «مردم») توضیح داد که حمله به دانشگاهیان و فرهنگیان و حمله به حزب تودهٔ ایران، امری تصادفی و محلی نیست. توطئهٔ عمومی ضد آزادی است. «رزم» نوشت: «استبداد را از فرهنگ شروع کرده‌اند... مبارزه با توده‌ای‌ها پردهٔ دودی است که در پشت آن مبارزه با فکر آزاد عملی می‌شود.»

۲ آبان ۱۳۳۷، «رزم» اطلاع داد: «توطئه‌های ارتجاع برضد تشکیلات حزبی، وارد مراحل تازه‌ای می‌شود. دستورهائی از طرف مقامات بالا به ستاد ارتش و سایر مراجع دولتی داده شده است که تجاوز و فشار و تحریک برضد حزب ما را تشدید کنند.»

«رزم» توضیح‌می‌داد که هدف، از میان برداشتن حزب است، ولی «حزب» محصول تحولات اجتماعی و خواست‌های اکثریت محروم ملت ایران است. این حزب را نمی‌توان با یك لهیب از میان برداشت.»

سرانجام در ۱۳ آبان ۱۳۳۷،

افشاء شد که کابینهٔ هژیر، لایحهٔ غیر قانونی کردن حزب تودهٔ ایران را تدوین کرده است. روزنامه زندگی نوشت: «در کریدورهای مجلس مطالبی از طرف بعضی وزرای کابینهٔ آقای هژیر و چندتن از نمایندگان مخصوص و شناخته شده عنوان شد که موجب حیرت و تعجب گردید. به قراری که می‌گویند دولت آقای هژیر در نظر دارد دو لایحهٔ قانونی با قید دو فوریت به مجلس تقدیم کند: یکی قانون تحدید مطبوعات بچهار روزنامه در تهران و یك روزنامه در شهرستان. دوم لایحهٔ غیر قانونی شمردن حزب تودهٔ ایران واجازه گرفتن دولت برای بستن این حزب و تعقیب کلیهٔ عناصر موثر آن.»

چنان‌که می‌بینید، به اصطلاح غیرقانونی کردن حزب تودهٔ ایران، برخلاف آنچه تبلیغات دربار پهلوی بعدها عنوان کرد، و عده‌ای از روی عادت آن را تکرار می‌کنند، مربوط به سوءقصد به شاه مخلوع نیست. این اندیشه ماه‌ها پیش از آن، به عنوان بخشی از یك توطئه بزرگ ضد آزادی و ضد ملی به وجود آمده، قوام گرفته و حتی به صورت لایحه‌ای تدوین شده بود. کابینهٔ هژیر، که پیوند خانانه‌اش با امپریالیستها روشن‌تر از آفتاب است، در جهت عملی‌کردن این فکر می‌کوشید. دکتر منوچهر اقبال ، وزیر فرهنگ این کابینه، که یکی از چاکران دربار و از سیاه‌ترین مهره‌های ارتجاع وابسته به امپریالیسم بود، به آغاز توطئه از فرهنگ کمك کرد. کم‌ترین تردیدی نیست که توطئه ضد حزب تودهٔ ایران، با مقاصد شرکت غارت‌گر انگلیسی نفت و اشتهای دیکتاتوری و قلدری محمدرضا پهلوی ، ارتباط بلاواسطه داشت.

هژیر، که تدارك «غیر قانونی» کردن حزب تودهٔ ایران را دیده بود، فرصت نکرد آن را به تصویب برساند. کابینهٔ او در نیمه آبان‌ماه سقوط کرد. نبرد پشت‌پرده تشدید شد. ساعد به نخست‌وزیری رسید و گام تازه‌ای در جهت تحکیم دیکتاتوری شاه مخلوع، در جهت تمایل انگلستان برداشت. رادیو لندن اعلام کرد که وزیر خارجهٔ ایران در لندن، با بوین وزیر خارجه انگلیس، ملاقات و دربارهٔ تغییر قانون اساسی ایران مذاکره کرده است.

طبیعی است که امپریالیست‌های امریکائی در این مورد نظر دیگری داشتند و می‌کوشیدند دیکتاتوری دربار پهلوی را به سود خود تحکیم نمایند. اما اختلاف برسر این مسائل، مانع از وحدت‌نظر کامل امپریالیست‌ها برسر مبارزه با مردم ایران، و قبل از همه حزب تودهٔ ایران، نبود.

همزمان با توطئه‌گری در تهران، در محافل امپریالیستی واشنگتن نیز تبلیغات علیه حزب تودهٔ ایران مقیاس وسیعی گرفته بود. روزنامه‌های امریکائی مقاله‌های شدیداللحنی علیه حزب ما منتشر می‌کردند، کسه روزنامه‌های دربارهٔ تهران آنها را ترجمه و تجدید چاپ می‌نمودند. در این زمان در خود امریکا تب آتی‌کمونیسم بسیار بالا بود. انحصارات امپریالیستی هجوم وسیعی را علیه بقایای دموکراسی در آن‌کشور آغاز کرده و مبارزه با کمونیسم را بهانه قرار داده بودند. رهبران حزب کمونیست امریکا چندین ماه بود که تحت محاکمه قرار داشتند وامپریالیسم امریکا درمقیاس جهانی نبرد باکمونیسم‌را روبوش‌برای‌تجاوز وغارت‌قرار داده بودند. امپریالیست‌های امریکائی در امور همهٔ کشورها دخالت می‌کردند، و آنرا به بهانهٔ مبارزه با کمونیسم، قانونی قلمداد می‌کردند. حزب تودهٔ ایران، که به رغم همهٔ توطئه‌گری‌های امپریالیستی رشدمی‌کرد، خاری در چشم آنان بود. دریکی از مقالاتی که بنا به تصریح روزنامه‌های تهران، سفارت امریکا به مبطوعات داده بود، گفته می‌شد:

«در خاورمیانه، فقط در ایران و فلسطین کمونیست‌ها آزادند و فعالیت می‌کنند... نمایندهٔ کمونیست‌ها در ایران، حزب تودهٔ ایران است... شوروی برای ایجاد انقلاب، در ایران تلاش می‌کند.»

نقل از روزنامه آتش ۴۰۰ دی‌ماه ۱۳۳۷

امپریالیست‌های امریکائی، با این دستاویز، که گویا شوروی می‌خواهد در ایران «انقلاب» کند، هرنوع جنایت ضد حزب تودهٔ ایران و جنبش‌های ملی و آزادیخواهانه در میهن ما را قانونی می‌شمردند و مستشاران امریکائی و ژاندارمری و مشاورین پنهانی امریکا در دربار، از هیچ‌نوع جنایت علیه حزب تودهٔ ایران روگردان نبودند.

کابینهٔ هژیر سقوط کرد. اما نقشه غیر قانونی کردن حزب تودهٔ ایران از دستور خارج نشد. نمایندگان وابسته به دربار و امپریالیسم آن را به شدت دنبال کردند. محمدعلی دهقان، یکی از فاسدترین چهره‌های سیاسی دههٔ ۲۵، که از طرف دربار وکیل مجلس بود، با کابینه ساعد از این نظر مخالفت کرد که چرا غیر قانونی کردن و بستن حزب تودهٔ ایران را در برنامه خود قرار نداده است! او طی سخنرانی خود درمجلس (۱۷ آذرماه ۱۳۳۷)، پس از دشنامهای بسیار زشت به حزب تودهٔ ایران، پیشنهاد کرد که این حزب «بسته شود» و فعالیت آن «موقوف» گردد. آنها، این مسئله را با مجموع سیاست کشور مربوط کرد و گفت که بی‌طرفی معنی ندارد و ایران باید رسماً و علناً به بلوك غرب بپیوندد.

به این ترتیب نقشه درباری ــ امریکائی ــ انگلیسی غیر قانونی کردن و یا بستن حزب تودهٔ ایران، به طور رسمی افشاء شد و به مجلس شورا آمد. همزمان با آن، فشار به اعضای حزب تودهٔ ایران از حد گذشت. درکارخانه‌ها، مدارس، دانشگاهها و وزارتخانه‌ها اعضای حزب را، از کار اخراج و تبعید می‌کردند. در همهٔ شهرها هجوم به اعضاء و هواداران حزب، ــ که فعالیت آنها الزاماً نیمه علنی بود ــ به امر عادی بدل شده بود و هرچند روز سروکلهٔ یك مسئول حزبی را می‌شکستند. اسناد و مدارکی که در اختیار حزب بود، نشان می‌داد که همهٔ این توطئه‌ها از یك مرکز: دربار ــ ارتش، وپشتیبانان امریکائی‌ــانگلیسی آنها، رهبری می‌شود. ۲۱ آذرماه ۱۳۳۷، دبیرکل کمیتهٔ مرکزی حزب، بسیاری از این اسناد را در یك مصاحبهٔ مطبوعاتی رو کرد و نشان داد که از وزارت جنگ و ستاد ارتش، طی نامه‌های محرمانه‌ای به وزارت‌خانه‌ها و کارخانه‌ها و غیره، دستور اخراج و تبعید توده‌ای‌ها صادر می‌شود.

در آغاز زمستان، محیط سیاسی کشور بغرنج‌تر و تضادها شدیدتر شد. احساس می‌شدکه لحظهٔ قطعی فرامی‌رسد. در نیمهٔ آذر ۱۳۳۷، جرج آلن معاون وزارت خارجه امریکا به ایران آمد و به‌طوری‌که روزنامه‌ها نوشتند، «برخلاف آداب و رسوم بین‌المللی» مستقیماً و محرمانه با شاه مخلوع ملاقات کرد. این ملاقات دو نفری بود در آن حتی وزراء شرکت داده نشدند.

بنا به نوشته روزنامه‌ها ــ از جمله روزنامه آتش ــ مسائل مورد بحث عبارت بود از «استقلال» ایران و «دموکراسی»! به عبارت دیگر، هم سیاست داخلی و هم سیاست خارجی ایران مطرح شده بود. اگر سیاست عمومی امپریالیسم امریکا و بویژه هیستری شدید ضد کمونیستی و ضد شوروی آنرا در آن سالها در نظر بگیریم، می‌توانیم تصمیماتی را که در این جلسهٔ محرمانه گرفته شده است، پس بزنیم.

توطئهٔ ضد امپریالیستی اجرا می‌شود.

در آغاز دی‌ماه، تقریباً آشکار بود که تصمیم دایر به غیر قانونی کردن حزب تودهٔ ایران و هجوم عمومی به دموکراسی در ایران، قطعی شده و به اصطلاح شمارش معکوس آغاز شده است. عمال ارتجاع و امپریالیسم به این فکر بودند که حادثه‌ای بسازند و آن را به حساب حزب تودهٔ ایران بگذارند. ۲۸ آذرماه، در جلو دانشگاه گلوله‌ای منفجر شد که بر اثر آن عده‌ای کشته شدند. این حادثه عجیب، غیر قابل توضیح بود. ستاد ارتش اعلامیه‌ای صادرکرد و ماجرا را این‌طور توضیح داد که گلوله‌ها از اسلحهٔ شد خوانی شلیك شده و قرار بود در آسمان منفجر شود، ولی «به دلایل نامعلوم» در ارتفاع لازم منفجر نشده و به سطح زمین نزدیك شده است! (مردم، ۶ دی‌ماه ۱۳۳۷) اما این «توضیح» ستاد ارتش کسی را قانع نکرد. گفته می‌شد که حوادثی در پس پرده می‌گذرد. روزنامه وظیفه، مورخ ۵ دی‌ماه ۱۳۳۷، نوشت:

«تصمیم این بود که اغتشاش و تیراندازی و اخلال امنیت را به‌حزب توده منتسب ساخته و افکار را علیه آن برانگیزند... عده‌ای از نمایندگان مطبوعات را ترور کنند و لایحه غیر قانونی بودن حزب توده ایران را بقید دو فوریت به‌مجلس تقدیم نمایند.»

روزنامه کیهان (۱۵ دی‌ماه ۱۳۳۷) به‌استناد رادیوی مسکو نوشت:

«گلوله‌بارانهائی‌که در تهران، در ۲۸ آذر ۱۳۳۷، به‌وقوع پیوست، یك خیانت بزرگ بود... این جریانات برای خفه‌کردن مردم، از بین بردن آزادیخواهان و تشکیل حکومت نظامی است.»

این نقشه آن‌روز اجرا نشد، زیرا حادثه انفجاردر دانشگاه خیلی ناشیانه بود. دشوار بود مردم باور کنند که حزب تودهٔ ایران توپ ضد هوائی و اسلحه و مهمات سنگین در اختیار دارد. احتمالاً حوادث‌دیگری هم پشت پرده می‌گذشت. از جمله این‌که هنوز دعوای امریکا و انگلیس حتی در این مورد به‌پایان نرسیده بود. شاه مخلوع هم‌چنان‌به‌ملاقات‌های محرمانه ادامه می‌داد. به نوشته روزنامه‌ها:

«چند روز قبل در مبارك‌آباد بین‌اعلیحضرت همایونی و آقای تقی‌زاده و مهس لمبتون ملاقات محرمانه‌ای دست داد. گویا نقشه زمامداری تقی‌زاده در میان است.»

کسری، ۱۴ دی‌ماه ۱۳۳۷

مهس لمبتون، جاسوس سرشناس انگلیس و وابسته فرهنگی سفارت انگلیس در تهران بود، که سیاست ویژه استعمار انگلیس را در ایران رهبری می‌کرد. احتمالاً در این ملاقات محرمانه، فقط زمامداری‌تقی‌زاده مطرح نبود، بلکه تقویت مواضع دربار، تغییر قانون اساسی، مسئله نفت و تشدید ترور در داخل کشور نیز مطرح بوده است.

در این روزها محیط سیاسی کشور به‌شدت علیه استعمار و به‌ویژه علیه شرکت نفت انگلیس برانگیخته شده بود. حزب توده ایران متشکل ترین نیروی دموکراتیك و ضداستعماری بود، که به‌رغم توطئه‌گری‌های دربار و امپریالیست‌ها، به‌روشنگری و سازماندهی انقلابی می‌پرداخت و عمال امپریالیسم و ارتجاع را افشا می‌کرد. روزنامه مردم، در آن‌روزها، به‌طور عمده به‌بریده شد امپریالیستی و ضد درباری اختصاص داشت.

در آغاز بهمن‌ماه، هیجان افکار عمومی به‌اوج رسید. پنجم بهمن ماه، عباس اسکندری دولت ساعد را در مورد مذاکرات پشت پرده نفت استیضاح کرد. مذاکرات مجلس به‌وسعت در میان مردم منعکس شد. حزب تودهٔ ایران، درهمکاری با حزب ایران، نخستین تظاهرات وسیع ضد شرکت سابق نفت را سازمان داد. راه‌پیمائی بزرگی از جلو دانشگاه تهران آغاز شد و به‌میدان بهارستان خاتمه یافت شعارها این راه‌پیمائی بزرگ، قاطع و روشن علیه امپریالیسم انگلیس و امریکا بود. حزب تودهٔ ایران نه‌تنها امپریالیسم انگلیس را، که می‌خواست جای خود را تحکیم کند، افشاء می‌کرد، بلکه خطر امپریالیسم تازه‌نفس امریکا راهم متذکر می‌شد. این راه‌پیمائی، که از هرنظر در زندگی سیاسی کشور بی‌سابقه بود، خبر از گسترش عظیم نفوذ و قدرت حزب تودهٔ ایران و تاثیر شعارهای ضد امپریالیستی آن می‌داد.

زیرفشار افکار عمومی، روز نهم بهمن‌ماه، تقی‌زاده، عاقد قرارداد ۱۹۳۳، در پشت تریبون مجلس اعتراف کرد که این قرارداد در شرایط غیرعادی و ترور به‌ایران تحمیل شده است. تقی‌زاده خود را مامور سلب‌الاختیاری نامیدکه طبق دستور رضاشاه مجبور به‌امضای قرارداد شده است. او گفت که حوادثی در پشت پرده گذشته و خود رضاشاه هم، که گویا راضی به‌تمدید مدت قرارداد شرکت سابق نفت نبود، در آخرین لحظه به‌دلایلی نظر خود را تغییر داده است.

قسمت ما بررسی همه این اعتراف و کل مسئله نفت نیست، بلکه یادآوری محیط سیاسی است که آن‌روز در کشورما حاکم بود، نشان‌دادن این واقعیت است که نبرد ضد امپریالیستی و ضد دربار پهلوی بسرعت اوج می‌گرفت و حزب تودهٔ ایران یکی ازسازماندهان اصلی این نبرد بود.

۱۱ بهمن ۱۳۳۷، امتیاز بانك شاهنشاهی (بانك استعماری‌انگلیس در ایران) پایان یافت. ولی دربار و دولت به‌فکر تمدید مدت آن بودند و حزب تودهٔ ایران طرد استعمارانگلیس را از همه عرصه‌ها طلب می‌کرد. همه سرمقاله‌های «مردم» در این روزها، ضد امپریالیسم و ضددیکتاتوری دربار پهلوی بود.

۱۴ بهمن ماه، محمدعلی دهقان، نماینده درباری معلوم‌الحال مجلس، سئوالی از دولت بدرئیس قضائی داد و با تهدید به‌استیضاح، پرسید که:

«طبق قوانین و مقرراتی که بقوت خود باقی است (!) اشاعه مرام کمونیسم ممنوع شده و مرتکبین مجرم و قابل تعقیب‌کیفری هستند. بچه‌مناسبت این مرام جلوگیری نمی‌شود و اجرایی نشریه‌های مخصوص... می‌دهند و مورد تعقیب قرار نمی‌گیرند؟»

نقل از کیهان ۱۵ بهمن

۱۵ بهمن ۱۳۳۷، روز جمعه، حزب تودهٔ ایران برای تجلیل از شهدا، میتینگی در ابن بابویه برسر مزار «ارانی» ترتیب داد. همه مبارزان توده‌ای و هواداران حزب و بسیاری از عناصر دموکراتیك در آن‌جا جمع بودند. هنگام بازگشت به‌شهر، خبررسید که به‌شاه مخلوع تیراندازی شده و پلیس و ارتش، به‌بهانه آن، به‌کلوب مرکزی حزب و همه سازمان‌های حزبی و اتحادیه‌ها هجوم آورده‌اند.

۱۶ بهمن ۱۳۳۷، روزنامه‌های تهران خبر سوءقصد به‌شاه مخلوع را منتشر کرده با تیترهای درشت نوشتند که:

«هویت مرتکب کاملاً معلوم و انتسابش به‌حزب توده مسجل است!»

(کیهان، ۱۶ بهمن ۱۳۳۷)،

همین روزنامه، به‌نقل از مقامات دولتی افزود که در جیب او «نامه‌هائی از طرف حزب توده و روزنامه مردم»، «مقداری فرمول شیمیائی» و در زیر جورابش «یك دشنه زهرآلود» یافته‌اند!

همان شب ۱۵ بهمن، بلافاصله پس از سوء قصد به‌شاه مخلوع، دولت طی اعلامیه‌ای حکومت نظامی برقرار نمود و «فعالیت احزاب و اجتماعات را مطلقا ممنوع» اعلام و انتشار مطبوعات را منع کرد.

۱۶ بهمن‌ماه، جلسه مجلس شورا تشکیل شد. دکتر منوچهر اقبال، وزیر کشور، دفترچه‌ای‌را، که آن‌را دفتر یادداشت و خاطرات ضارب (ناصر فخوآرائی) می‌نامید، از پشت تریبون مجلس خواند و ادعاکرد که فخرآرائی منتسب به‌حزب توده ایران است. احمد دهقان‌و صفوی حزب تودهٔ ایران را خائن نامیدند. (سردار فاخر حکمت رئیس مجلس گفت: «این حرفها مربوط به‌مجلس نیست. مطالبی است که سوء قصد کننده در دفتر خاطرات خود نوشته است.»)

سرانجام دکتر اقبال متن اعلامیه دولت را درباره حکومت نظامی و تصمیم فوق‌العاده شب ۱۵ بهمن هیئت وزیران راجع به‌انحلال حزب توده ایران را قرائت کرد. او از جمله گفت:

«از چند سال پیش در داخل کشور عناصر مضدمجوئی به‌نام حزب تودهٔ ایران دور هم جمع شده و یکعده مردمان ساده‌لوح را با کلمات فریبنده اغفال و هر روز ایجاد اغتشاش، هرج و مرج نموده، و در صدد واژگون کردن بنیان و اساس کشور بودند. اینك سرف‌نظر از ترویج مرام اشتراکی... زمینه انقلاب درکشور را فراهم می‌سازند. بنابراین ... حزب مزبور را منافی استقلال! کشور تشخیص و دستور می‌دهد سازمان حزب مزبور در تمام کشور منحل و افراد خائنی که مدارك لازم علیه آن‌ها موجود است طبق مقررات قوانین مربوطه تحت تعقیب قرار گرفته و مجازات شوند.»

کیهان، ۱۶ بهمن ماه ۱۳۳۷

در همان روزهای ۱۵ و ۱۶ بهمن، پلیس و ارتش تنی چند از محافل مذهبی از جمله آیت‌الله کاشانی و داماد وی و فقیهی شیرازی را دستگیر و تبعید کردند، و تعداد کثیری از رهبران و فعالین حزب توده ایران را دستگیر و بزندان انداختند.

اجامر و اوباش و پلیس و مامورین رکن دو، سازمان‌های حزب را درهم کوبیدند و تابلوهای کلوب‌ها را هرجا باقی‌مانده بود، پائین‌کشیدند. ضرب وجرح و دستگیری و تبعید و شکنجه اعضا و هواداران حزب در سراسر کشور «قانونی» شد.

۱۹ بهمن‌ماه، دولت لایحه قانونی «تحدید مطبوعات و مجازات مرتکبین جرائم مطبوعاتی» را به‌مجلس تقدیم کرد، که به‌موجب آن، هر روزنامه یا نشریه‌ای «نسبت به‌پادشاه مملکت و خانواده سلطنتی و شعائر مقدس ملی!» توهین کند، از طرف شهربانی توقیف و مدیر مسئول و نویسنده بازداشت می‌شود. ــ حکومت نظامی (سرلشکرخسروانی‌فرماندار

بقیه در صفحهٔ ۶

کشاورزی ایران را باید...

چه باید کرد، چگونه باید ثمرات انقلاب شکوهمند مردم ما در کشاورزی منعکس شود، چه برنامه‌ارضی می‌تواند شالوده حل این معضل مهم قرار گیرد و جوابگوی مرحله حساس از تاریخ میهن ما باشد.

علاوه بر آنکه «برنامه حزب توده ایران» از چندین سال پیش خطوط اساسی این چنین روشی را طرح ریزی کرده، حزب ما برای مرحله کنونی پس از پیروزی انقلاب نیز برنامه مشخصی را تدوین نموده که همراه سایر پیشنهادهای خود به‌منظورتشکیل جبهه متحد خلق ارائه داشته است. به‌نظر ما اجرای چنین برنامه‌ای که پس از تبادل نظر و تدقیق می‌تواند مورد قبول همه نیروهای ضد امپریالیستی و ترقی‌خواه قرار گیرد، قادر خواهد بود کشاورزی ما را از بن‌بست بدرآورد و راه اعتلای آن‌را بگشاید و دهقانان ما را به‌جاده رفاه و ترقی سوق دهد:

کلیه زمین‌های متعلق به‌خانواده پهلوی و اعوان و انصار آن‌ها و ثروتمندان بزرگ فراری طاغوت پرست باید مصادره گردد و به‌دهقانان و کارگران کشاورزی آن‌ها در چارچوب واحدهای دولتی یا تعاونی سپرده شود. این اراضی کم نیستند و هزاران ده از بهترین دهات را شامل می‌شوند. حتی هم‌اکنون نیز دامنه زمین‌های مزروعی و چراگاه‌ها و شکارگاه‌ها و زمین‌های جنگلی و ساحلی و غیره، که خاندان دزد پهلوی برآن‌ها چنگ انداخته بود، معلوم نیست. بی‌شك از این به‌بعدهم همچنان صدها هکتار زمین و هزاران دام و میلیون‌ها پول راکد به‌صورت ماشین‌های کشاورزی و آلات کشت و کار کشف خواهد شد که سابقاً متعلق به‌وابستگان و پیوستگان به‌آن خاندان شوم بود و باید به‌تعلق و به‌تصرف خلق درآید و به‌دهقانان واگذار شود. خاصیت این واحدها این‌است که از نظر تجهیز فنی و شیوه‌های جدید کار و کشت در سطح بالا قرار دارند و بنابراین باید باکمك همه‌جانبه دولت انقلابی و کارشناسان آن و به‌صورت بهره‌برداری‌های مدرن و با بازده عالی کار مورد استفاده قرار گیرد. شرکت نمایندگان خود دهقانان و کارگران کشاورزی در اداره و رهبری این واحدها ضامن علاقمندی هرچه بیشتر آنان و رشد سریع تولید در آن‌ها است. این واحدها می‌توانند از این پس مصرف بسیاری از مواد دبغیست غذائی و مواد اولیه صنایع وابسته به‌کشاورزی را تأمین کنند. ویك لحظه تامل در مورد حتی یك‌وجب از این زمین‌های متعلق به‌مردم، که در دوران پنجاه ساله به‌تصرف آن خاندان و عمال آن‌ها درآمده، جائز نیست. اجرای این امر انطباق کامل با اهداف ضد سلطنتی انقلاب بزرگ ما دارد.

کلیهٔ زمین‌ها و مؤسسات کشاورزی متعلق به‌امپریالیست‌ها باید ملی شود. و غارت‌گران بیگانه، که با کمك خاندان فاسد پهلوی برزمین‌های وسیعی در گوشه وکنار ایران، از خوزستان تا دشت قزوین، چنگ‌انداخته‌اند باید سلب مالکیت و خلع‌ید شوند. از این راه می‌توان و باید به‌تنها ریشه دیگری از استعمار نوین امپریالیستی را قطع‌کرد، بلکه منبع تازه‌ای برای رشد کشاورزی و تامین مصرف فراهم آورد. این واحدها و اراضی نیز تنها از نظر عده کم هستند، ولی از نظر وسعت زمین و شرایط فنی و واقع‌بودن در نقاط حاصلخیز و مرغوب و برخوردار از آب و برق، بسیار با اهمیتند. این واحدهای بزرگ کشت و صنعت باید فوراً و کاملا به‌تصرف و تعلق خلق درآید و بازهم با شرکت دهقانان و کارگران‌کشاورزی خود این واحدها در امر مدیریت و با توجه دقیق دولت ازنظر تامین کادر رهبری و فنی و اداری و مالی و برنامه‌ریزی، پایه دیگری برای رشد کشاورزی ما باشد. هرگونه تردید و دست به‌دست‌کردن در مورد این اراضی یا حل ناقاطع و نیم‌بند سرنوشت آن‌ها مردود است. اجرای این امر انطباق کامل با اهداف ضد امپریالیستی انقلاب بزرگ ما دارد و عدم اجرای آن راه نفوذ سرمایهٔ بیگانه و سلطه مجدد امپریالیستی را در این رشته باز خواهد کرد.

کلیه زمین‌های متعلق به‌زمین‌داران بزرگ، که همه از غارت‌گران و از وابستگان به‌پهلوی‌ها و امپریالیست‌ها بوده و هستند، باید مصادره شود، و مؤسسات بزرگ خصوصی کشاورزی و قطب‌های کشت و صنعت آن‌ها باید ملی شود. این‌ها نیز زمین‌هائی مرغوب و برخوردار از آب و تجهیزات فنی هستند. یك دولت ملی و معتقد به‌اصول انقلاب، که بخواهد در جهت عدل اجتماعی حرکت کند، بی‌شك باید این اراضی را در اختیار مستضعفین دهات، یعنی دهقانان زحمت‌کش قرار دهد و سعی‌کند با تشکیل تعاونیهای واقعی دهقانی، رونق شایسته به‌کشاورزی‌دهد. انقلاب ما نایی‌گیر و راه رخنه دشمن باز خواهد ماند، اگر در این زمینه تسمیمات قاطع و برنده اتخاذ نشود.

اجرای این امور، باضافه دایرکردن زمین‌های بایر به‌منظور تامین زمین کافی و باهدف زمین‌دار کردن کلیهٔ دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین و خشکاندن ریشه بهره‌کشی از دهقانان، به‌معنای اجرای اصلاحات ارضی بنیادی است، که نیاز حیاتی اقتصاد کشاورزی ما و توده مستضعف روستاها است. در این زمینه باید مالکیت دهقانی تضمین شود. بهیچ‌بهانه‌ای داستان شرکتهای سهامی زراعی شاهانه و سلب مالکیت اجباری از دهقانان زیر فشار مالی واداری نباید تکرار شود. در رابطه با همین مسئله هیچگونه قسط و بازپرداخت و غیره نباید به‌دهقانان وکشاورزانی که بعنوان کارگران کشاورزی کار می‌کنند، تحمیل‌شود. واگذاری زمین باید مجانی باشد.

بنیه مالی کشور ما و درآمد نفتی ــ اگر منافع‌مستضعفین در مد نظر باشد ــ امکان آن‌را دارد که اولا تمام امر اصلاحات ارضی را به‌رایگان بسود دهقانان انجام دهد، ثانیاً کلیه دیون و اجاره‌ها و اقساط و سایر بدهی‌های دهقانان را در گذشته به‌کلی بخشوده اعلام نماید و ثالثاً یك سیاست مالی و اعتباری مشخص و ثمربخش تدوین نماید تا منابع و اعتبارات لازم را برای رشد کشاورزی و تهیه ماشین‌آلات و کود و بذر و مواد دفع آفات و وام به‌موقع به‌دهقانان و تامین بازار خرید آن یا تضمین دولتی خرید محصول زراعی و دامی فراهم آورد. باید درعمل نشان داد که اگر دولت‌های شاه مخلوع در این زمینه حرف می‌زدند و وعده می‌دادند، ولی اعتبارات کلان را بالا می‌کشیدند، دولت انقلابی می‌تواند اعتبارات را در اختیار رشد سالم کشاورزی، در اختیار دهقانان خرده‌پا و میانه‌حال بگذارد و با درستی سیاست و خط مشی و باصحت عمل، به‌وجه احسن ازاین اعتبارات استفاده کند. تاکیدات مکرر رهبر انقلاب در زمینه کمك به‌مستضعفین و اهمیت تولید داخلی کشاورزی، دولت را موظف می‌سازد در این زمینه تدابیر قاطع اتخاذ کنند و انتظارات توده مردم را برآورده سازد.

در همین‌جا است که باید از کمك‌های ضرور و همه‌جانبه دولت به‌ایجاد شرکتهای تعاونی تولیدی دهقانی یاد کرد و ثابت نمود که تعاونی، آن صور بی‌محتوی زمان حکومت طاغوت نیست، بلکه نهادی است متعلق به‌خود دهقانان، بسود آنان و در دست آن‌ها، که در جهت اعتلای کشاورزی و به‌دست گرفتن هرچه بیشتر وسایل مالی و فنی و اداری جدید در امر تولید عمل میکند. همچنین است مسئله آب که یك مسئله حیاتی در کشورما و یك مشکل جدی است. اگر میزان برف و باران در اختیار ما نیست، ولی جلوگیری از هرز رفتن آب موجود، آبرسانی و سدبندی و ترعه‌کشی و استفاده عقلانی از آب در ید قدرت ماست. اگر شاه مطرود برای اسبها و استخرهایش در جزیره کیش آب را با هواپیما میبرد، دولت انقلاب باید آن را به‌زمین‌های تشنه دهقانان فقیر و میانه‌حال برساند.

برنامه همه‌جانبه رشد کشاورزی و بهبود وضع ده نمی‌تواند فاقد تدابیری در جهت شرکت وسیع و موثر خود دهقانان در اداره امور دهات و مؤسسات کشاورزی باشد. دهقانان باید صاحب اختیار ده خود و بهسازی آن و تعیین کننده سرنوشت خود و چگونگی تولید محصول و برنامه آن در چارچوب یك برنامه علمی و عمومی سراسری باشند. مشارکت دهقانان نه‌فقط جنبه‌های اقتصادی، بلکه نتایج سیاسی و اجتماعی دارد، نیروهای طرفدار انقلاب و پیشبرنده انقلاب را تقویت می‌کند و هرده را بیك سنگر تسخیرناپذیر بدل می‌کند. دولت باید امکان دهدکه در شوراها یا انجمن‌های ده، در شورای مدیریت واحدهای کشاورزی و سایر ارگانهای تصمیم‌گیرنده، نمایندگان واقعی و مستقیم خود دهقانان زحمت‌کش اعم از خرده‌پا و میانه حال شرکت جویند و یار و مددکار جمهوری اسلامی خویش باشند.

برنامه کشاورزی که ما عرضه می‌کنیم، به‌دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی ده نیز توجه دارد. از آن جمله‌است خانه‌سازی در دهات. خوشبختانه دستور اخیر امام خمینی در زمینه تامین مسکن برای همه مستضعفین کاملا صریح است و براساس آن می‌توان اولویت دادن به‌خانه‌سازی در روستاها را تقویت کرد و از زمین‌های زمین‌خواران و غارت‌گران و ازز‌مین‌های بایر و سلطنتی سابق نیز در همین جهت استفاده کرد. از آنجمله است همچنین توجه به‌وضع جوانان و زنان روستاها و به‌وضع بهداشت و درمان و آموزش و فرهنگ در روستاها. تمام جوانب مختلفی که در برنامه پیشنهادی حزب‌ما برای تشکیل جبهه متحده خلق در این موارد ذکر شده، حائز اهمیت و اولویت ویژه‌ای است، چرا که مستقیماً هریك از آن‌ها با امر رشد تولید داخلی و بهبود وضع زندگی و جلوگیری از مهاجرت‌های خانمان‌برانداز رابطه دارد.

پس از توافق بر سر اصول برنامه‌ای می‌توان و باید ریز هریك از این تدابیر و جزئیات امر را ضمن برنامه‌های عملی تدوین نمود، افق روشن راه و روش آینده را ترسیم کرد، مراحل آن‌را دقیقاً تبیین کرد و توده زحمت‌کشان روستاها را بسرای عملی کردن آن بسیج نمود، به‌این ترتیب نه به‌آن‌سو می‌افتیم که بخواهیم یك شبه همه مسائل حل شود و با حرکت یك جوینده معجزه‌آفرین روستاها یکباره بهشت برین و کشاورزی شکوفا شود و نه به‌این سو درمی‌غلطیم که با تردیدها و این دست وآن‌دست کردن‌ها، عملا بمیریم و به‌عمل نرسیم وپیشرفت‌انقلاب را ترمز کنیم و جمهوری اسلامی را به‌نداشتن برنامه کشاورزی یا ارائه روش‌های نپیهند و تذبذب متهم و به‌عدم موفقیت در این زمینه تصمیمات قاطع و برنده اتخاذ نشود.

احیای کشاورزی ایران و بهبود وضع زحمتکشان روستاها نیاز حیاتی به‌عمل مشترك همه نیروهای خلق پیرامون یك برنامه دقیق و مشخص خلقی، با بهره‌گیری از راه‌حل‌های انقلابی و قدرت خلاقهٔ توده مردم دارد. حزب‌توده ایران در این زمینه حیاتی نیز می‌گوید که نظرش چیست و چه‌راه حلی را در این مرحله پیشنهاد می‌کند.

حزب توده ایران آماده است که براساس این برنامه پیشنهادی با همه نیروهای راستین انقلابی به‌تبادل افکاربپردازد و برای پیشرفت انقلاب در زمینه کشاورزی نیز کمك کند.

اعلامیهٔ فرقهٔ دموکرات آذربایجان...

★ ★ ★

ساختمان پیانون انداختند و پوسترهائی‌را که نمایان‌گر سیمای انقلابی کارگران و زحمتکشان بود، از روی شیشه‌های پنجره ساختمان «قهرمانانه» پاره پاره کردند و به‌دور ریختند.

کمیتهٔ مرکزی فرقه‌دموکرات‌آذربایجان ــ سازمان حزب تودهٔ ایران درآذربایجان، توجه تمام مقامات مسئول آذربایجان را به‌این مسئله مهم جلب می‌کند و خواستار آن‌است که هرچه زودتر، از دخالت نابخردانه‌ناعناصر ضد ملی، که آگاهانه به‌وحدت کلمه و یك پارچگی نیروهای انقلابی صدمه می‌رسانند، جلوگیری کنند و مسببین حادثه اخیر را مجازات نمایند.

خلق غیور آذربایجان و سازمان پیکار-جوی آن، برای انقلاب پیروزمند خلق تحت رهبری آیت‌الله خمینی، بی‌اندازه ارزش قائلند و وظیفه مقدس خودمی‌دانند که مبارزه را دوشادوش تمام نیروهای واقعا انقلابی، تا رسیدن به‌هدف نهائی انقلاب، ادامه دهند.

ما بارها اعلام داشته‌ایم و بار دیگر اعلام می‌داریم که علیه هرگونه تفرقه‌افکنی و علیه کلیه نیروهای ضدانقلابی که سعی می‌کنند فضای همکاری‌وصمیمیت را مسموم سازند، از این پس نیز مانند گذشته با تمامی نیرو پیکار خواهیم کرد.

فرقه دموکرات آذربایجان ــ سازمان حزب تودهٔ ایران در آذربایجان، در پیشگاه خلق‌های میهن عزیزمان ایران، به‌ویژه در شرایط کنونی، بخشیده سنگین و پرمسئولیتی که برعهده دارد، به‌خوبی واقف و برای آن ارزش بس والا قائل است، لذا نظر تمام مقامات و سازمانهای مسئول را نیز به‌این مهم جلب می‌نماید و مصراله خواستار پایان دادن به‌این‌گونه اعمال ضد انقلابی و تفرقه افکنانه است.

کمیتهٔ مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان
سازمان حزب تودهٔ ایران در آذربایجان
۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸

قابل توجه ناشران

مدتی است که ناشران، افراد وموسسات گوناگون، انتشارات حزب توده ایران را، بدون موافقت و اجازه حزب، تجدیدچاپ می‌کنند و به‌فروش می‌رسانند.

بدین‌وسیله به‌اطلاع همگان و به‌ویژه ناشران می‌رساند که تجدید چاپ، پخش و فروش انتشارات حزب توده ایران، بدون موافقت و اجازه کتبی حزب ممنوع است.

از کسانی‌که تاکنون انتشارات حزب توده ایران را تجدید چاپ‌کرده‌و به‌فروش رسانده‌اند، خواهشمند است که برای‌روشن ساختن وضع حقوقی و مالی آنچه که تاکنون توسط آن‌ها انتشار یافته، به‌دفتر «مردم» مراجعه کنند.

ناشرانی‌هم که میل دارند انتشارات حزب توده ایران را چاپ و یا تجدید چاپ کنند، باید برای کسب موافقت و اجازه حزب به‌دفتر «مردم» مراجعه کنند.

امیدواریم این خواست قانونی مورد توجه همه علاقه‌مندان به‌انتشارات حزب توده ایران قرار گیرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

«زدن برخلاف دستور امام است»

★ ★ ★

دختری سرگرم پخش اعلامیه کمیته‌مرکزی حزب تودهٔ ایران «تحلیلی از وضع کنونی انقلاب و ضدانقلاب در جامعه ما» است. مردی به‌او نزدیك می‌شود و ناگهان با مشت به‌او حمله‌ور می‌شود، او را کتك می‌زند. اعلامیه‌ها از دست دختر فرو می‌ریزد. دختر به‌گریه می‌افتد. جوانی معمم، که چهرهٔ سفیدش را ریشی سیاه پوشانده، به دفاع از دختر می‌پردازد: «چرا می‌زنی؟ اگر مخالفی، مخالف باش، ولی حق‌نداری بزنی، من خودم طرفدار امامم. امام برای همه‌کس آزادی می‌خواهد. زدن برخلاف دستور امام است.»

... مردم جمع می‌شوند، از دختر دلجوئی می‌کنند و سخنان جوان معمم را با حرارت تصدیق می‌کنند: «چرا می‌زنی، چرا زدی، به‌تو میگم چرا زدی...»

شارب که هوا را پس می‌بینند، با به‌فرار می‌گذارد...

چشمهٔ خورشید

از: سپیدهٔ سامانی

در نوبهار خرم آزادی
سیلاب چشمه‌ها همه سو جاریست
برخی نجسته راه و گل‌آلوده
برخی زلال و در طلب یاریست

باید به جستجوی گدامین راه،
پر التهاب و سرزده بشتابم؟
باید چگونه با همه دشواری،
راه تکو ز بیهده دریابم؟

سرچشمه‌ها کجاست؟ در این معنا،
تاریخ را مشاهده باید کرد
راه کدام روشن و پر مهر است؟
باید ز نور علم نشان آورد

این همزبان بندگی غرب است!
آن یك ز ارتجاع سخن راند!
آن از طریق علم گریزان است!
این یك مرا به روی و ریا خواند!

اما دمی سکوت، که یك چشمه
می‌جوشد از ارادهٔ این تاریخ
با دست خلق می‌کند از ایمان
بنیان آخرین ستم از بیخ

دریافتم طلیعهٔ فردا را!
راهی که رهنمون سعادت هست
در آرزوی مشرق خورشیدش
باید به جلوه‌های سحر پیوست...

سرچشمه‌اش «ارانی» و راهش دور
سرمایه‌اش حماسهٔ ایمان است
می‌آید از فراز و نشیب راه...
این چشمه، حزب تودهٔ ایران است

۱۲/۱/۱۳۵۸

مبارزهٔ قاطع با بیکاری...

و مبارزه مردم را، نه علیه مسببین بلیه بیکاری، بلکه علیه اصول و راه انقلاب برگردانند، تا شاید دم دم دستاوردهای انقلابی خلق را خنثی‌دار سازند و احتمالا به‌نابودی بکشانند.

در مقابل این نغمه اهریمنانه، که متاسفانه بی‌تاثیر هم نیست، مقامات دولتی چه می‌کنند؟ مردم ایران حق دارند نگران باشند! هم به‌خاطر وضع زندگی و گذران روزمره این میلیون‌ها برادر و خواهر زحمتشش و هم به‌خاطر سرنوشت انقلاب و عواقب سیاسی مسئله. بیش از پیش روشن می‌شود که بیکاری یکی از زمینه‌هائی است که ضدانقلاب می‌تواند از آن سوء استفاده کند، یعنی آن‌چنان شرایط مناسبی را فراهم می‌کند که عمال امریکا و غارت‌گران داخلی وابسته به‌آن‌ها می‌توانند با دست باز عمل کنند. حل نکردن مسئله بیکاری کمك به‌این توطئه‌ها است؛ از بین بردن بیکاری جارو کردن زیر پای توطئه‌گران و گرفتن یك سنگر دیگر از دست آن‌ها است. مردم حق دارند نگران باشند، وقتی می‌بینند خوش خیالی، جای اقدام قاطع را می‌گیرد و تعلل، جای اجرای سریع برنامه‌های فوری و تدوین برنامه‌های درازمدت را. مردم دیگر دارند بروشنی می‌بینند که دستورات و نظریات رهبر انقلاب به‌درستی و بسرعت اجرا نمی‌شود و در درون‌دستگاه دولتی کشمکشی جریان دارد که اقدامات مثبت را تضعیف و حتی خنثی می‌کند، جلوی تدابیر خلقی را می‌گیرد و مشی سازشکارانه و «تفاهم و همدردی» با غارت‌گران را به‌عرصه می‌آورد. یك‌نمونه‌ را یادآوری کنیم. شهرك اکباتان را شرکت سهامی نوسازی و عمران تهران می‌ساخت، که البته پول کلانی بالا می‌کشید. مدیران شرکت در حال حاضر فراری هستند و حداقل هفت هزار نفر از ساختمانی بیکارند. مقامی دولتی از یك سو اعلام می‌کند که تصمیم گرفته شده یك هیئت مدیره دولتی سه نفره کارساختمانی را به‌عهده گیرد و فعالیت را آغاز کند. سه نفر عضو هیئت نیز انتخاب می‌شوند تا هم تامین کار کنند و هم تامین مسکن. اما از طرف دیگر، یك مقام دیگر دولتی اعلام می‌کند که خیر، چنین چیزی به‌عهده گرفته نمی‌شود و «در صورتی که مدیران قبلی حاضر به‌ادامه کار باشند، می‌توانند به‌سرکار خود بازگردند.» (مطبوعات ۹ اردیبهشت) به‌این ترتیب عملا، به‌خاطر ادامه غارت ثروتمندان کلان، در آستانه اول ما مه، باز این کارگران بیکار ماندند و کشمکش درونی جناحها مانع ادامه تولید و تامین کار شد.

در چنین شرایطی، چرا دشمنان انقلاب دست شادی بهم‌نسایند و روز روشن، ماشین بی‌پول جلوی جاده نگذارند؟ مطلب عمده این است که باید این انگیزه جنب و جوش و فعالیت را از ضد انقلاب سلب کرد؛ باید مسئله بیکاری را هرچه سریع‌تر و هرچه ریشه‌ای‌تر حل کرد، تا هم کارگر زندگیش، آن‌چنان که شایسته انقلاب و خواست امام است، بهبود یابد و هم ضدانقلاب در این زمینه خلع‌سلاح شود.

موعظه برای بیکاران درباره صبر و حوصله کافی است. باید اقدامات جدی انجام داد، زیرا که مسئله جدی است، چه از نظر اقتصادی و اجتماعی، چه از نظر سیاسی. اقدامات باید هم فوری باشد، که کمك‌های لازم و منظم را به‌بیکاران برساند و بلافاصله، با طرح‌های ساده و جاذب وسیع، نیروی کار در مهلتی کوتاه، ضربه محسوسی به بیکاری بزنند، و هم درازمدت باشد که با برنامه‌ای عمقی ریشه این بلیه را برکند. در این روال، آنچه مهم است شرکت دادن خودکارگران و بیکاران و سندیکاها واتحادیه‌ها و شوراهای آنان در این امر و اتخاذ تدابیر قاطع انقلابی در زمینه ملی کردن موسسات امپریالیستی و سرمایه‌داران بزرگ وابسته، اعم از صنعتی و کشاورزی و خدمات و مالی و غیره است. رفتار دوپهلوی برخی مقامات دولتی در برابر کارگران و بیکاران و حتی مقابله با آن‌ها، درعین‌حالی که روشی «با گذشت» در برابر غارت‌گران ثروتمند در پیش گرفته می‌شود، باید به‌کلی از بین برود. در اجرای اهداف انقلاب و دستورهای امام در جهت حمایت از مستضعفین، باید دولت، نه به «حسین‌نیت» سرمایه‌داران بزرگ، بلکه به همکاری و همگامی کارگران و سازمان‌های آنان تکیه‌کند و از همدوشی و همقدمی‌کلیه‌نیروهای انقلابی بهره گیرد. جا دارد این هشدار حزب تودهٔ ایران را در اعلامیه ۲۳ فروردین، خطاب به‌دولت، تکرار کنیم که، هرگونه تاخیر و تعلل در مبارزه برضد بیکاری و در تحقق خواست‌های به‌حق و عادلانه بیکاران، عملا کمکی است به‌عوامل خواسته‌ناشناخته امپریالیسم و رژیم سرنگون شده، اما همچنان خونخوار و فعال. زحمتکشان آگاه و انقلابی اجازه نخواهند داد که به‌هیچ نام و عنوانی، خواست حق و عادلانه آن‌ها بهانه محافل دشمن و مشکوك قرار گیرد و مبارزه آن‌ها از جاده اصولی و در درجه اول ضدامپریالیستی و دمکراتیك خود خارج شود. آن‌ها حق دارند، مثل همه مردم نگران باشند و از دولت بخواهند که تدابیر عاجل و قاطع در این زمینه اتخاذ کند.

تحصن رانندگان کامیون در وزارت بازرگانی

حدود ۲۵۰تن از رانندگان کامیون و کارکنان شرکت «ترانس کنتیننتال»، به‌عنوان اعتراض به‌عدم پرداخت حقوق و مزایایشان، در وزارت‌بازرگانی متحصن شدند. در میان کارگران متحصن، تعدادی از رانندگان کره‌ای و ترکیه نیز حضور دارند. تحصن‌کنندگان اعلام کرده‌اند که از دی‌ماه سال گذشته دستمزدی دریافت نداشته‌اند و ادامه این بلاتکلیفی و سرگردانی، زندگی آن‌ها را به‌شدت از هم پاشیده است. کارگران متحصن گفتند که تا کلیه حقوق و مزایای خود را دریافت ندارند، دست از تحصن برنخواهند داشت.

شرکت ترانس کنتیننتال پیمانکار وزارت بازرگانی است و صاحب شرکت، به‌گفته رانندگان متحصن، در جریان انقلاب، گریخته است. اتاق بازرگانی به‌رانندگان متحصن اطلاع داده است که دولت با تعیین یک مدیرعامل جدید برای شرکت، خواهد کوشید تا چرخ‌های متوقف شده شرکت «ترانس کنتیننتال» را دوباره به‌حرکت درآورد و حقوق عقب افتاده کارکنان شرکت را نیز بپردازد. اما کارگران با این تاکید که «کار» به‌استخوانشان رسیده» و «معیشت خانواده‌شان به‌کلی لنگه است» حاضر به‌ترک تحصن نیستند.

در کارخانه قند یاسوج

ده‌ها نفر از کارگران کارخانه قند یاسوج، به‌عنوان اعتراض به‌کمی دستمزد، در محل کارخانه متحصن شدند. کارگران متحصن خواهان رفع تبعیض بین کارگران و کارمندان کارخانه و توجه فوری به‌خواست‌های حقه خویش، در جهت تامین حداقل زندگی و معیشت خانواده‌شان‌هستند. تعداد کارگران متحصن بیش از ۸۵ نفر است. آن‌ها می‌گویند تا وقتی حقوق ما به آن حد نرسد که بتوانیم طبیعی‌ترین نیازهای خود و خانواده‌مان را تامین کنیم، به تحصن اعتراضی خود ادامه می‌دهیم.

در کارخانه آزمایش شیراز

به‌دنبال اخراج ۳ تن از کارگران کارخانه آزمایش شیراز، عده‌ای از کارگران این کارخانه، در محل استانداری فارس دست به تحصن‌زدند. کارگران از مسئولان استانداری می‌خواهند تا با رفع تشنج و بی‌نظمی در محل کار آن‌ها، برای کارگران زحمتکش شرایط لازم و تامین کافی را جهت کار به‌وجود آورند.

کارگران پارس‌الکتریک تهدید به‌اعتصاب کردند

کارگران شرکت پارس‌الکتریک اعلام کردند که برای احقاق‌حقوق خود که از طرف کارفرما مورد تهدید قرار گرفته، چاره‌ای جز اعتصاب ندارند. در نامه‌ای که ۲۵۰ تن از کارگران شرکت آن را امضا کرده‌اند، نسبت به اقدام کارفرما، که می‌خواهد شرکت را از صورت عام درآورد و تبدیل به‌شرکت خاص کند، به‌شدت اعتراض شده است. کارگران تصریح کرده‌اند که «این عمل کارفرما غیرقانونی است و حقوق و مزایای‌قانونی ما را به‌خطر می‌اندازد.» کارگران در ضمن از مسئولان امر خواسته‌اند تا ترتیبی داده شود که شرکت خدمات پارس، مانند گذشته، در «پارس الکتریک» ادغام شود.

تحصن نمایندگان ۴ روستای مازندران

ده‌ها تن از نمایندگان ۴ روستای مازندران، در دادگستری بابل متحصن شدند. نمایندگان روستاهای «بیت‌کلا»، «رئیس‌کلا»، «پرسیمان» و «مرزی‌کلا» خواستار تجدید انتخابات شورای مشترک کشاورزی‌روستاهای خود و همچنین دستگیری دو تن از مالکان این روستاها شدند. روستائیان متحصن، ضمن اعلامیه‌ای که انتشار دادند، بازداشت فوری دو نفر از مالکان منطقه به‌نام «سیدحسن اوصیا» و «حسن حسن‌نژاد» (متهم به قتل یکی از روستائیان) را تقاضا کرده و خواستار اجرای عدالت درباره آن‌ها شدند.

مسئولان کمیته انقلاب بابل، پس از مدتی مذاکره با نمایندگان روستائیان، با این قول که خواست‌های آن‌ها به اجرا درخواهد آمد، موفق شدند به تحصن آن‌ها خاتمه دهند. ۲۵۰ نماینده ۴ روستای مازندران تاکید کردند که موقتا دادگستری را ترک خواهند کرد و اگر به‌تقاضای آن‌ها توجه سریع نشود، تحصن خود را از سرخواهند گرفت.

دیدار نمایندگان سندیکاهای عرب با آیت‌الله طالقانی

هیئت نمایندگی اتحادیه جهانی سندیکاهای عرب، هفته گذشته به دیدار آیت‌الله طالقانی رفتند و از طرف کارگران کشورهای عرب‌پیروزی انقلاب ایران را به‌ایشان و کارگران ایران شادباش گفتند. هیئت‌نمایندگی سندیکاهای عرب ضمن این شادباش تاکید کردند که «انقلاب ایران یکی از حلقه‌های مبارزه امپریالیسم آمریکا را در منطقه پاره کرده است. این انقلاب [illegible] منطقه اثر خواهد گذاشت.»

آیت‌الله طالقانی در پاسخ این شادباش اظهار داشت:

«گرچه کارگران از طبقه محروم جامعه‌اند، ولی شما نیروی فعال رویدادها هستید. قدرت موثر در نبرد علیه صهیونیسم بین‌المللی و امپریالیسم آمریکا و کلید حل مشکلات و ابتکار عمل در دست شماست.»

آیت‌الله طالقانی افزود:

«شما عملا ابتکار عمل را در جنگ ۱۹۷۳، با بستن لوله‌های‌نفتی بروی آمریکا، در دست گرفتید، چنانچه کارگران نفتی ما در جریان انقلاب ایران این کار را کردند. آن‌ها نقش بسیار مهمی در پیروزی انقلاب ایران ایفا کردند.

شما کارگران عرب می‌توانید با کوشش خود نیروهای عرب را بسرعلیه دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین‌المللی متحد کنید.»

کارگران کارخانه‌ارج با تقلیل ساعت‌کار تولید را افزایش میدهند

و با توجه به‌روحیه‌ای که بعد از انقلاب در کارگران به‌وجود آمده و تاکید امام خمینی در مورد این که باید تولید افزایش پیدا کند، افزایش قابل توجهی در بازدهی تولید اکثر کارخانه‌ها مشاهده می‌شود برای مثال کارخانه ارج:

قبل از انقلاب کارگران ۴۸ ساعت در هفته کار می‌کردند و متوسط بازدهی تولید در حدود ۶۵ درصد بود. بعد از انقلاب، با کم شدن ساعت کار از ۴۸ به ۴۶ ساعت کار در هفته بازدهی به ۷۵ درصد رسید. در حدود یک ماه است که کارگران با سرعتی فوق‌العاده کار می‌کنند، تا حدی که هفته گذشته بازدهی تولید به ۱۱۵ درصد رسید و این هفته بازدهی ۱۰۵ درصد است. بازدهی تولید با درنظرگرفتن برنامه و ساعت روزانه و هفتگی و ماهانه محاسبه می‌شود، یعنی در هفته گذشته، ۱۵ درصد بیشتر از برنامه تعیین شده تولید شد. این کار به چند دلیل انجام شده، که مهم‌ترین آن عبارتست از ساعت کار. کارگران در حال حاضر در ۲ شیفت ۶ ساعته (بعضی از کارگاه‌ها سه شیفت) کار می‌کنند. اخیرا مدیران کارخانه درصدد تغییر ساعت کار از ۶ ساعت به ۷ یا ۸ ساعت برآمده‌اند و در نتیجه با مخالفت کارگران روبرو شده‌اند.

کارگران می‌گویند ما همین ۶ ساعت را کار می‌کنیم، ولی تولید را می‌رسانیم، پس دلیل ندارد که ساعت کار افزایش پیدا کند. کارگران برای اثبات این موضوع دست به‌پرکاری زده‌اند، به‌طوری‌که اضافه بر برنامه تولید می‌کنند. درحدود ۴ روز است‌که اختلالاتی در تولید به‌وجودمی‌آید. مثلا ۲ روز قبل، در یک زمان، ۴ عددپرس قسمت پرسکاری از کار افتاد و تا دیروز کسی برای تعمیر آن اقدام نکرده بود. با این که کارگران بارها تذکر داده بودند که این پرس‌ها خراب است و تولید این‌قطعات عقب میافتد، در قسمت خدمات فنی کسی به‌این موضوع رسیدگی نمی‌کرد. یا مثال دیگر، ۳ روز قبل کارگاه برشکاری به خاطر نداشتن برنامه تولید از کار افتاد. کارگران می‌خواستند کار کنند، ولی برنامه نبود. وقتی از برنامه‌ریزها سئوال شد که چرا ۲ روز قبل از اتمام برنامه، برنامه جدید تنظیم نشده، می‌گفتند فکر نمی‌کردیم به‌این زودی‌ها تولید تمام شود و این جواب‌ها قانع‌کننده نبود. دست‌هایی در کارخانه در صدد اخلال هستند. آن‌ها می‌خواهند از تولید جلوگیری کنند تا حد نصاب بازدهی به ۱۰۰ برسد و کارگران را وادار کنند که ۸ ساعت کار را قبول کنند. البته ممکن است گفته شود کارفرما و مدیران می‌خواهند تولید افزایش پیدا کند، حالا ۶ ساعت کار کنند، چه فرقی می‌کند به‌نفع آنها هم هست، ۲ ساعت کمتر آب و برق مصرف می‌شود. جواب این است که مسئله ساعت کار مسئله‌ای در چهارچوب کارخانه ارج نیست، این یک مسئله کلی است که در سطح کارخانه‌های کشور اثر دارد. اگر ارج ۶ ساعت کار کند و تولید ۸ ساعت را برساند، چرا جنرال و آزمایش و پارس الکتریک و جاهای دیگر نتوانند؟ به‌این ترتیب مسئله‌ای می‌شود دامنگیر تمام سرمایه‌داران و صاحبان کارخانه‌ها و در رأس آن‌ها دولت و وزارت کار. اخیرا وزارت‌کار مقدار ساعت کار را در هفته ۴۸ساعت اعلام‌کرده است. در حال حاضر کارخانه‌هائی هستند که ۴۸ ساعت یا ۴۵ ساعت در هفته کار می‌کنند. حالا اگر قرار باشد ساعت‌کار ۸ ساعت در روز باشد، اینها کارخانه ارج سدی است در راه تحقق این خواست. بنابراین «ارج» هم باید ساعت کارش را افزایش دهد. حال چه کسانی عامل اجرای این نقشه هستند؟ روشن است که صاحبان و مدیران کارخانه. از طریق شورا و مذاکره این مسئله حل نشد. حال تنها راهی که می‌ماند بی‌کاری در تولید است که بازدهی کار پائین بماند تا بتوانند ساعت کار را افزایش دهند.

نامه یک کارگر چاپخانه به‌روزنامهٔ «مردم»

بزرگترین درس تظاهرات روز کارگر

تظاهرات عظیم برادران کارگر من، در روز اول ماه مه، با آن استقبال پرشوری که همه مردم، از هر قشر و طبقه‌ای از آن کردند، یک پیروزی نه‌تنها کارگری، بلکه ملی و عمومی بود. جشن روز کارگر واقعا به‌جشن خلق تبدیل شد. دانشجو درکنار محصل، کارمند در کنار باربری، روشنفکر بازو به‌بازوی کارگر، همه باهم گره خوردند. برای اولین‌بار، پس از سال‌ها اختناق و تحقیر و خاموشی مرگبار، صدای کارگر، نام کارگر، طنین قدم‌های این سپاه رنج و کار، کوچه‌ها و خیابان‌ها را پر کرد، در حالی‌که از پنجره‌ها و بالکن‌ها و از فراز پل‌ها و حاشیه پیاده‌روها، گل و گلاب و نقل چون باران بر سر و روی آنان می‌ریخت. جشن کارگر نشان داد که چه آمادگی طبیعی و وسیعی برای وحدت و پیوند نیروهای مختلف جامعه ما، صرف‌نظر از عقاید دینی و مسلکی و اختلاف سلیقه‌های آن‌هاوجود دارد. در عین حال نشان داد که ما در میدان عمل در کنار هم هستیم، بازو به‌بازوی هم‌داده‌ایم، اگرچه درمیدان‌نظری‌وتفکر، با دلائل و براهین مصنوعی یا فرعی در برابر هم صف‌آرائی کرده‌ایم. استقبال بی‌نظیر و تکان دهنده مردم از صفوف بهم فشرده و متحد ما، به‌روشنی نشان داد که خط‌های دلیر ما، با چه شور و شعف و هیجانی خواستار وحدت و همراهی صفوف مبارزان انقلابی و نیروهای ملی و دمکراتیک که در عین‌واکنون باهم منافع و هدف‌های مشترکی دارند، هستند. مردم نگران وداوایس این وحدت و همکاری‌اند، که در این شرایط بسیار حساس و خطرناک، که دشمنان از هرسو و با همه نیروسر و دسیسه‌های خود به‌انقلاب ما حمله‌ور شده‌اند، تنها ضامن و سپر دفاعی این انقلاب در برابر ضد انقلاب و نیروهای ابلیسی امپریالیسم و صهیونیسم است. در چنین شرایط نگران کننده و در عین حال پرمسئولیتی است که در کنار تمام جلوه‌های‌وحدت‌طلبانه در تظاهرات و جشن‌های اول ماه مه، جدائی نیروهای ملی و آزادی‌خواه، دل هر میهن‌پرست و به‌ویژه هر کارگری را بشدت به‌درد می‌آورد.

گروه‌های مختلفی از کارگران و هواداران آن‌ها، به‌طور عمده در سه ستون و در سه اجتماع، شرکت کردند. من که توسیدم از نزدیک شاهد این تظاهرات و راه‌پیمائی‌ها باشم، وقتی نظم آهنین، شور پاکبازانه و بسیاری از تابلوها و پلاکاردهای از نظر محتوی یکسان ــ و واحد یکسان ــ این صفوف عظیم سیاه کارگری را دیدم، وقتی شعارهائی با مضمون واحد را ــ آنقدر شبیه هم که گوئی از یک دهان خارج می‌شد ــ از این صفوف شنیدم، بغض گلویم را گرفت.

برادران من همه، امپریالیسم و به‌ویژه امپریالیسم امریکا را به‌عنوان بزرگترین دشمن مردم ایران، انقلاب ایران، کارگران ایران و جهان محکوم می‌کردند، همه خواهان ملی شدن‌سرمایه بانک‌های وابسته بودند، همه لغو کلیه قراردادهای اسارت‌آور دوره سلطه طاغوت و امپریالیسم را می‌خواستند، همه تغییر قانون کار بسود کارگران را مطالبه می‌کردند، همه برای کارگران بیکار، کار و برای کلیه کارگران، شرکت درسرنوشت کارخانه و نظارت در امور تولید و توزیع را میخواستند، همه از حقوق خلق‌های ایران در چارچوب ایرانی مسئل دفاع می‌کردند و هرنوع تجزیه‌طلبی را محکوم می‌ساختند، همه نقش طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران را، در به‌پیروزی رساندن این انقلاب تاکید می‌کردند و نقش موثری برای این بزرگترین طبقه اجتماعی ایران در حیات اجتماعی درخواست می‌نمودند... و با اینهمه، این سه ستون جدا از هم راه می‌رفتند.

همه خواست‌های اساسی یگانه بود، گوئی روی شعارها و مضمون پلاکاردها قبلا با هم توافق کرده بودند. دست‌های همه کارگران و زحمتکشان پر از پینه بود، اما دریغ، آن‌ها جدا از هم بودند.

در عرصه عمل باهم بودند، و این را نمی‌خواستند باور کنند! چرا؟ واقعا چرا؟

آیا واقعیت مهم‌تر از حرف و تئوری نیست؟ چه‌کسانی می‌خواهند کارگران و مبارزان راه آزادی و استقلال ایران از هم جدا باشند، در حالی‌که آن‌ها اگر واقعا آزادی‌خواه باشند، اگر واقعا ملی باشند، نمی‌توانند جدا ازهم حرکت کنند و عملا هم، به‌رغم جدائی ظاهری آن‌ها، در حرکت‌ها و خواست‌های اجتماعی‌شان، باهم اند، بهم جوش خورده‌اند.

رفقای روزنامه مردم!

از قول من، که یک کارگر چاپخانه‌ام ــ کارگری که در خانواده‌ای کارگری به‌دنیا آمده و فرزندانش کارگران آینده‌اند ــ بنویسید:

کارگر متفرق هیچ‌چیز، کارگر متحد همه‌چیز!

بنویسید:

آیا هنوز آنقدر خودخواهیم که منافع حیاتی انقلاب و مردممان را فدای اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت‌عقیده‌های فرعی‌و تصنعی کنیم؟ آیا هنوز آنقدر بالغ نشده‌ایم که در یک برنامه مشترک، باوجود اختلاف سلیقه‌ها عقیده‌ها ــ همدیگر را تحمل کنیم؟ از درس روز اول ماه مه بیاموزیم! این رژه‌ها وجشن‌ها و تظاهرات، تنها شکل یک محتوی، پوسته یک مفهوم ویک پیام عبرت‌آموز و عالی است. شکل را کنار بزنیم و محتوی و پیام را دریافت کنیم.

این پیام و مضمون چنین است:

ــ کارگران متحد شوید! کارگران ! به‌رغم همه اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت عقیده‌ها، اتحاد را چون آب و هوا بمبخش انقلابی ایران هدیه کنیم!

اعلامیه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

نشان بزنند: هم این توطئه جنایت‌کارانه را از خود دور کنند و هم نیروهای چپ و کمونیست‌ها را متهم سازند، و سرانجام باز هم به‌هدف اساسی خود، یعنی تفرقه بین نیروهای انقلابی و در نتیجه تضعیف جنبش انقلابی دست‌یابند.

متاسفانه نیروهای راست می‌کوشند نشانی تروریست‌ها را در جای دیگر، در سمت چپ نشان دهند و بدین وسیله به‌تبلیغات ضدکمونیستی دامن بزنند. این نیروها که می‌کوشند (از جمله در تظاهرات به‌مناسبت شهادت آیت‌الله مطهری) در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب، درمردم سردرگمی ایجاد کنند و دشمنان اصلی انقلاب مرد م‌ایران را از زیر ضربه‌خارج سازند، درست درجهت خلاف نظریات و اعتقادات رهبر انقلاب، امام خمینی، عمل می‌کنند که بارها و بارها، از جمله در مورد ترورهای اخیر، تاکید کرده است که دشمن اصلی انقلاب مردم ایران، امریکا و عمال ایرانی آن است و برضداین‌ها است که می‌باید مبارزه کرد و این‌ها هستند که باید سرکوب شوند.

روشن است که نیروهای چپ و کمونیست‌ها، به‌معنای جدی و صدیق این کلمه، نه‌فقط سودی از تضعیف انقلاب و بازگرداندن جامعه زیریوغ امپریالیسم ندارند، بلکه درست همان‌ها هستند که در صفوف پی‌گیرترین و مبارزترین نیروهای انقلابی، برای افشا توطئه‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، سرکوب ضدانقلاب، حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و گسترش و تعمیق انقلاب سرسختانه پیکار می‌کنند.

ما به همه نیروهای انقلابی، بار دیگر توجه می‌دهیم که موافق تاکید دائمی امام خمینی، که همه نیروهای انقلابی را به«وحدت کلمه» برضد دشمن اصلی انقلاب بهم ایران، امریکا و عمال ایرانی آن‌ها، فرا می‌خواند و تصریح می‌کند که باید استدلال منطقی بین این نیروها جانشین حربه افتراء دشمنان گردد، در همین راه اصولی گام‌برداشته شود.

ما به‌نوبه خود از دولت و همه ارگان‌های انقلابی خواستاریم که در مقابل اقدامات جنایت‌کارانه ضدانقلاب، کلیه تدابیر لازم اتخاذ گردد و بوسیله رسانه‌های گروهی شیوه‌های ضدانقلاب تحلیل شود و افکار عمومی در جهت صحیح علیه آن بسیج گردد.

جامعه ما به «وحدت کلمه»، به اتحاد همه نیروهای انقلابی علیه دشمن‌اصلی ودیرین‌خود، امپریالیسم و ارتجاع، نیازحیاتی دارد وتنهااین شیوه است که می‌تواند انقلاب را بازگشت‌ناپذیر کند.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران

۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸

(ادامه از صفحه ۴) ... می‌کردند، زمینه برای توطئه‌گری‌های ضد انقلابی، بزای چپ‌گری ضد انقلاب فراهم می‌شود. انقلاب ایران ضدامپریالیستی و دموکراتیک و خلقی است، یعنی باید تا آخر و با قاطعیت ضد امپریالیستی و دموکراتیک و خلقی باشد، به‌هدف‌های ضد امپریالیستی و دموکراتیک و خلقی خود برسد. برچیدن کامل شبکه جاسوسی «سیا»، اخراج مستشاران نظامی امریکائی، دستگیری و مجازات تمام مامورون و جنایت‌کاران حرفه‌ای ساواک، لغو قرارداد های نظامی با امریکا، لغو تمام‌قراردادهای نابرابر با امپریالیسم در تمام زمینه‌ها، خلاصه قطع ریشه امید ضد انقلاب امپریالیستی و ضد انقلاب داخلی متحدآن، وظائف عاجلی است که کم‌ترین درنگ در راه اجرای آن‌ها جائز نیست. با تکیه بر خواست، نیرو و شور انقلابی توده‌های میلیونی مردم زحمتکش، انجام این وظائف مبرم دشوار نیست، سهل و آسان است. هرنگ در انجام این وظائف نتایج شومی به‌بار می‌آورد.

www.iran-archive.com

صفحه ۶ — نیروهای انقلابی را نیز دستخوش انتقاد شدید می‌سازد. باید دید که در شرایط مشخص جامعهٔ ایران، مسئله آزادی‌ها را چگونه باید حل کرد که از آن ضدانقلاب سوءاستفاده نکند، باعث تفرقه، نیروهای انقلابی نشود، ولی در عین‌حال جدی و دارای محتوی باشد.

ما هنوز در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک هستیم، یعنی انقلابی که باید استقلال سیاسی و اقتصادی ما را برپایه‌های عینی محکم استوار سازد (این‌کاری است که هنوز نشده) و دمکراسی سیاسی و اقتصادی، یعنی حاکمیت خلق را به‌وجود آورد (این هم کاری‌است که هنوز از آن دوریم).

مابین استقلال و دمکراسی، پیوند ژرفی وجود دارد. مفهوم دمکراسی نیز از مفهوم آزادی‌های دمکراتیک به‌مراتب وسیع‌تراست. لذا درست نیست که ما از تمام مضمون وسیع و عمیق انقلاب در فرهنگ‌کنونی ما تنها مفهوم «آزادی‌های دمکراتیک» را مطلق‌کنیم.

ولی آزادی‌های دمکراتیک (آزادی قلم، مطبوعات، اجتماعات، و احزاب، مسافرت، مصونیت‌های قانونی، انتخابات و غیره) در کنار حقوق دمکراتیک انسان‌ها (حق کار و تحصیل و درمان و استراحت و بیکاری و پیری تامین شده و مسکن و غیره)، دارای اهمیت انکار ناپذیر است.

ما با صراحت و قوت و تاکید تمام اعلام می‌داریم که آزادی‌های دمکراتیک را برای تکامل جامعه ایران ضرور می‌دانیم و برای آن اهمیت فراوانی قائل هستیم.

در مفهوم لیبرالی و بورژوائی که در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته مرسوم است، آزادی‌ها، به‌علت آن‌که با حاکمیت خلق و تامین‌حقوق انسانی اکثریت زحمتکش تلازم نیافته و به‌صورت آزادی‌های فردگرایانه و غیر مسئول بروز می‌کند، از محتوی واقعی تا حد زیادی تهی است و وسیله‌ای‌است برای آن‌که طبقات حاکمه بتوانند به‌وسیله آن جامعه را موافق خواست خود اداره کنند و آن‌را به‌اصطلاح «دستکاری» نمایند و در جهتی که منافع سود ورزانه‌اشان اقتضا می‌کند امید دهند.

کشورهای غربی نام این سیستم را «دمکراسی» به‌معنای مطلق کلمه گذاشته‌اند و آن‌را به‌پرچم نبرد علیه جریان‌های انقلابی بدل ساخته‌اند.

به‌ادعای آن‌ها، در دنیای کنونی نبرد بین دمکراسی و دیکتاتوری است که این دیکتاتوری، گاهی چپ‌گراست به‌نام کمونیسم و گاهی راست‌گراست به‌نام فاشیسم! سفسطه و مغلطه در مسائل از این بالاترنمی‌شود، نظیرآن سفسطه دیگر، که تحت عنوان «ابر قدرت»، شوروی سوسیالیستی را در کنار امریکای سرمایه‌داری امپریالیستی قرار می‌دهند! هیچ وجه مشترکی مابین سوسیالیسم و کمونیسم، که خواستار حل بی‌عدالتی‌های جامعه طبقاتی است، و فاشیسم، که حربه طبقات ممتاز برای کوبیدن جنبش‌های انقلابی است، وجود ندارد.

مسائل اجتماعی پیچیده و بغرنج است، لذا سفسطه و واژون‌سازی در آن، مطلق‌کردن یك جهت و جلوه‌دادن آن به‌عنوان کل حقیقت، گمراهسازی و غیره آسان است.

این «دمکراسی غربی»، یا دمکراسی لیبرالی بورژوائی، که برخی آزادی‌ها را تا حد هرج‌ومرج مجاز می‌داند، ولی حقوق انسانی طبقات وسیع زحمتکش جامعه را تأمین نشده باقی می‌گذارد، برای ما قابل‌تقلید نیست، این شکل «دمکراسی» از جهت تاریخی کهنه شده است.

پس چه باید کرد؟

آیا باید از تنوع سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی، که به‌ویژه درطرح خواست استقلال ملی و دمکراسی اجتماعی مشترکند (ولی‌دارای گرایش‌ها و راه حل‌ها و سبك‌های مختلف تفکر هستند) جلوگیری کرد و استبداد یك گروه و انحصار فکری یك گروه را برپاداشت؟

جواب ما این‌است: نه!

آیا باید اجازه داد که این تنوع موجب تفرقه، تصادم، هرج ومرج، سردرگمی و ابهام شود؟ جامعه دمکراتیك را بسود دستردها و ضربت‌های ضد انقلابی تضعیف نماید؟

جواب ما این‌است: بازهم نه!

پس راه حل چیست؟

راه حل عبارتست از وحدت درکثرت، یعنی وجودمستقل و آزاد سازمان‌های مختلف سیاسی، ولی اتحاد آن‌ها در جبهه متحد خلق، به‌منظور حل مشترك مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره که در برابر جامعه مطرح می‌گردد.

طبیعی است که هر وحدت عملی به‌نرمش، گذشت، سازش، عزم همکاری و غیره نیاز دارد. اگر چنین جبهه‌ای تشکیل شود،می‌تواندتکیه‌گاه نیرومندی برای رژیم دمکراتیك آتی باشد. این جبهه می‌تواند اراده خود را در جهت اجرای تصمیمات سودمندی پیش ببرد، سد مقاومت‌ها و دسایس دشمنان جامعه را بشکند و نظریات اکثریت مطلق جامعه را بر اقلیت ضد اجتماعی، ضد ملی و ضد دمکراتیك تحمیل کند و نظم وانضباط و امنیت را در جامعه برقرار نماید.

این یك دمکراسی ملی است، که نه‌فقط در طریق تامین آزادی‌ها، بلکه در طریق تامین حقوق دمکراتیك نیز گام برمی‌دارد.

ضد انقلاب آشکار و نقابدار، درست با همین وحدت عمل نیروهای ضد امپریالیست و خلقی دشمن سوگند خورده است و از بیرون و درون نیروهای انقلابی می‌کوشد چنین وحدت عملی سرنگیردو کار به‌سوی تفرقه برود تا انقلاب از اعتبار بیافتد، دمکراسی به‌هرج‌و مرج بدل گردد و زمینه برای تحولات منفی فراهم شود. با نهایت تاسف باید گفت که‌اکنون چنین جریان خطرزا و فلاکت‌آوری است که سیر خود را طی می‌کند.

آیا انقلاب ایران خواهد توانست این مسئله را حل کند؟ ما مطمئنیم که اگر حل کند، کاری را که تنها شروع شده، به‌سرانجامی دلپذیر و آرام‌بخش برای اکثریت زحمتکش جامعه خواهد رساند و آن «وحدت کلمه»ای را که امام خمینی ادامه آن‌را در جنبش خواستار است، به‌شکل واقعی حفظ خواهد کرد، وحدت کلمه‌ای که ناشی از انحصار فکری و سیاسی گروه معینی نیست، بلکه مبتنی بر توافق داوطلبانه نیروها بر روی برنامه مشترك است.

سیستم بهداشت و درمان...

۱. به‌طور عاجل و فوری حادترین مسائل مربوط به‌بهداشت و درمان را حل کند. حزب تودهٔ ایران در برنامه موقتی که به‌وزارت بهداری ارائه کرده، به‌آنها اشاره نموده است.

۲. برنامه‌ریزی دقیق و سمت‌گیری صحیح برای اجرای طرح ملی کردن بهداشت و درمان، یعنی رایگان بودن خدمات بهداشتی، درمانی و استفاده از داروهای ضروری. این برنامه فورا قابل اجرا نیست و تنها با تقویت بخش‌دولتی و با اجرای‌طرح رایگان بودن خدمات پزشکی برای طبقات و قشرهای کم‌درآمد و آماده کردن همه زمینه‌ها، به‌طور درازمدت قابل اجرا است.

در خاتمه یادآوری این نکته را هم ضروری می‌دانیم که اجرای طرح‌های بهداشتی رایگان و پیشگیری از بیماری‌ها می‌تواند و باید فورا به‌مرحله اجرا درآید. در حالی که طب ملی و درمان رایگان احتیاج به برنامه‌ریزی و زمینه سازی طولانی‌تر دارد.

از تاریخ بیاموزیم...

نظامی تهران بود) علاوه بر اعضا و فعالین حزب، تعداد کثیری از روزنامه‌نگاران و رجال سیاسی غیر توده‌ای را نیز دستگیر و بازداشت نمود.

امپریالیست‌های امریکائی و انگلیس اقدامات آزادی‌کش دولت ایران را با حلقه تائید کردند. دولت امریکا از طریق وزارت‌خارجه‌اش اعلام کرد که از «تمامیت ارضی و استقلال ایران... دفاع» خواهد کرد! و ممکن است از پیمان آتلانتیك برای دفاع از ایران! استفاده شود. بوین وزیر خارجه انگلیس نیز اهمیت «جدی» ایران را برای منافع انگلیس تاکید کرد.

هفتم اسفندماه، شاه مخلوع روی دیگر مدال را نشان داد و در ملاقاتی با عده‌ای از نمایندگان سرسپرده مجلس، درباره لزوم تشکیل فوری مجلس مؤسسان و «اصلاح» قانون اساسی صحبت کرد و دستور داد دولت اعلامیه تشکیل مجلس مؤسسان را صادر کند.

یك یادآوری حقوقی

چنان که دیده می‌شود، آنچه که «غیر قانونی»کردن حزب تودهٔ ایران میناماند، کمترین رابطه‌ای با قانون ندارد، بلکه یك توطئه امپریالیستی ـ ارتجاعی است، که لااقل از یك‌سال پیش از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، در رابطه با نقشه‌های امپریالیست، برای نقض حاکمیت ملی ایران و تشدید دیکتاتوری شاه مخلوع، در پشت پرده تدارك می‌شد. هدف از تغییر قانون اساسی بود شاه مخلوع، محدود کردن آزادی مطبوعات و اجتماعات، ایجاد محیط ترور و خفقان، نقض بیطرفی‌ایران و بستن کشور، به‌پیمان‌های تجاوزکار امپریالیستی و حل‌مسئله نفت، بدون دخالت مردم و به‌زیان مردم ایران بود. حزب تودهٔ ایران، به‌مثابه متشکل‌ترین و پیگیرترین نیروی ضدامپریالیستی و مدافع دموکراسی، ضد سلطنت و مدافع حاکمیت مردم، مورد هجوم امپریالیسم و ارتجاع قرار گرفت.

نکته اینجاست که حتی دولت ساعد جرات نکرد لایحه قانونی علیه حزب تودهٔ ایران به‌مجلس بدهد. دکتر اقبال فقط تصویبنامه هیئت‌دولت را در مجلس خواند، که به‌موجب آن، حضرات وزیران نوکر وجاسوس امپریالیسم، حزب مارا «منافی استقلال تشخیص» داده و دستور داده‌اند که این حزب «منحل» شود (و نه غیر قانونی) و افراد حزب نیز که علیه آنان به‌اصطلاح مدارکی وجود داشته باشد، «طبق مقررات قوانین مربوطه» تحت تعقیب قرار گیرند.

بنابراین حتی در رژیم سلطنتی جاسوس امپریالیسم هم قانونی علیه حزب تودهٔ ایران وجود ندارد. حتی عمال آن رژیم اعضای حزب، را می‌بایست موافق «مدارك» موجود به«قوانین مربوطه!» (مربوط به مدارك!!) حواله دهند.

گروهی از رهبران حزب تودهٔایران، که به‌طور غیر قانونی‌دستگیر شده‌بودند، در اسفندماه به‌محکمه نظامی سپرده شدند و موافق قوانینی که قبل از تشکیل حزب تودهٔ ایران وجود داشت! محاکمه شدند، زیرا هیچ قانونی اختصاصا علیه حزب تودهٔ ایران وجود نداشت و ندارد. و محکمه ـ حتی محکمه نظامی محمدرضاپهلوی هم ـ نمی‌توانست ترهات دکتر منوچهر اقبال را، که دربارهٔ «انحلال» حزب تودهٔ ایران در مجلس گفته بود، ملاك قرار دهد.

حزب توده ایران قانونی بوده و هست.

از بهمن ۱۳۲۷ تا انقلاب پیروزمند بهمن ۱۳۵۷، درست ۳۵ سال گذشت. در این مدت حزب تودهٔ ایران، همواره به‌طور غیرقانونی و به‌رغم قوانین موجود و فقط بنا به‌خواست دربار پهلوی و امپریالیست‌های امریکائی و انگلیس، «غیر قانونی» تلقی می‌شد. سازمان‌های حزب مارا نه از روی قانون ـ ولو قانون مصوب مجالس ارتجاعی، بلکه به‌ناگاه زور خالص و افسارگسیخته می‌کوبیدند و اعضای حزب ما را حبس تبعید، شکنجه و اعدام می‌کردند. «جرم» ما، دفاع از استقلال ملی، دفاع از دموکراسی و دفاع از طبقات ستمکش بود. و چون قانون ویژه‌ای علیه حزب‌ما وجود نداشت، دولت اصرار می‌کرد که دادگاه‌ها، قانون سیاه خرداد ۱۳۱۵ را مستمسك قرار دهند. ولی دادگاه‌های دادگستری زیر بار نرفتند و این قانون را درباره حزب ما صادق ندانستند و رای به‌منع تعقیب دادند. کاربدادگاه‌های نظامی سپرده شد که با حزب تودهٔ ایران نیز مانند همه مبارزان‌صدیق انقلابی رفتار کرده آن‌ها را طبق ماده ۳۱۵ قانون دادرسی و کیفر ارتش‌محاکمه می‌کردند. در این ماده گفته می‌شود:

«هرکس به‌هر اسم و عنوان در ایران جمعیتی تشکیل دهد و یا اداره نماید که رویه یا مرام آن اشتراکی باشد... هرکس... جمعیتی تشکیل دهد و یا اداره نماید که رویه آن ضدیت‌باحکومت مشروطه سلطنتی ایران باشد... بحبس دائم محکوم می‌شود. هرگاه جمعیت‌های مزبور برای اجرای منظور خود اسلحه و یا مواد منفجره تدارك کرده باشند تشکیل‌دهندگان‌واداره کنندگان... به‌اعدام محکوم می‌شوند.»

طبق این ماده است که ده‌ها تن از اعضا حزب توکهٔ ایران، که از بهترین فرزندان خلق ایران بودند، اعدام شدند.

در این ماده، چنان‌که می‌بینید، هواداری از «رویه و مرام اشتراکی» (که از نظر حقوقی بی‌معنا و بی‌ربط و از نظر سیاسی‌عینا ارتجاعی و قرون وسطائی است) در کنار «ضدیت با سلطنت» قرار دارد. اگر کار، با مبارزان و سیاسیون بوده با حقوقدانان ملاتطی‌باشد که انقلاب ایران راهم نه‌پذیرند و معتقد باشند که اتفاقی نیفتاده«وقوانین سابق به‌قوت خود باقی است»، تازه باید تصریح کنیم که این ماده در رفراندوم عمومی مردم ایران، که به‌محو سلطنت و استقرار جمهوری رای دادند، لغو شده و دیگر «قوت قانونی» ندارد.

ما خواستار چگونه دموکراسی هستیم...

www.iran-archive.com

خوش آمد

در جلوهٔ بهار دل‌انگیز انقلاب
اکنون که سال نو
با نغمهٔ امیدفزای سرود خلق
در راه کسب قدرت و آزادی و شرف
آغاز می‌شود
«مردم»! میان تودهٔ مردم خوش‌آمدی
در سال‌های کودکی و دورهٔ شباب
پیوسته با تو الفت دیرینه داشتم
شور و علاقه‌ای که فزون از حساب بود
با بحث‌های «مردم آدینه» داشتم
اما دریغ...
آموزگار مکتب آزادی مرا
دست جفای قدرت فرعونیان «گرفت»
«مردم» که یار مردم این آب و خاك بود
چندی دچار خشم سکوتی سیاه شد
پنداشتند
آتش خشم ستمکشان
با حبس و زجر بیهده خاموش می‌شود
«مردم» که رهنمون «ظفر» بود و «رزم» ما
در خاطرات خلق فراموش می‌شود
چندی به جمع ما
آثار «مردمی»!
آن‌شور انقلابی و آزادگی نبود
اما در این سکوت
در سال‌های تیرهٔ بیداد و اختناق
یاد تو «ای رفیق فداکار خلق‌ها»
از جمع ما نرفت
گاهی نوشته‌ای و زمانی مقاله‌ای
از سال‌های پیش
از بحث‌های روز، خارج از این دیار
رونق‌فزای بزم رفیقان راه بود
در جستجوی راه و هدف‌های «مردمی»
چیزی که سال‌ها
آموختی به‌ما
با اتحاد خلق ستمدیدهٔ غیور
کم‌کم صدای تندر عصیان بلند شد
باید علیه دشمن «مردم» قیام کرد
روز ستم‌گران جفاپیشه شام کرد
در شهر و روستا
درگوشه و کنار
در کارگاه و مدرسه، بازار و پادگان
هر روز صبح
موج خروشان اعتصاب
اطراف کاخ‌های ستم را فراگرفت
در این میانه یار مددکار توده‌ها
تنها «نوید» بود
چون هرکلام و خط و ستونش برای ما
دنیائی از شهامت و شور و امید بود
تا عاقبت
به‌یاری رزمندگان خلق
روزی که سال‌ها، در انتظار آن
صدها جوان و پیر مبارز شهید شد
از ره فرا رسید
روز قیام خلق
روز سپید و روشن و تابان انقلاب
دنیا شنید از لب ملت پیام ما
ثبت است بر جریده عالم «قیام ما»
یك روز صبح
با شادی و امید
ارزنده ارمغان و ره‌آورد انقلاب
یار قدیم، یار فداکار توده‌ها
بر دست ما رسید
«مردم» امید مردم ایران به‌افتخار
در جمع توده‌های ستمکش شد آشکار
اکنون...!
تو ای رفیق کهن‌سال و دیرپا
در جلوهٔ بهار دل‌انگیز انقلاب
باردگر به‌جمع رفیقان خوش‌آمدی

امیر
۱۳۵۸/۱/۸

اخبار جهان

اول ماه مه

روز تجلی قدرت فزاینده طبقه کارگر در جهان

امسال نیز در سراسر جهان، جشن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان، باشکوه فراوان برگزار شد.

شرکت چند واحد نظامی از ارتش‌های سه‌گانه شوروی در جشن اول ماه مه، امسال به‌برگزاری این مراسم در اتحاد شوروی شکوهی بیشتر بخشید.

این رژه عظیم و شکوهمند در حضور تئودیر برژنف، دبیرکل حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای‌عالی اتحاد شوروی و سایر رهبران این کشور، در میدان سرخ مسکو، که با تصاویر مارکس، انگلس و لنین و پرچمهای سرخ تزیین شده بود، انجام گرفت.

مردان و زنان، که بعضی از آنان کودك خود را برشانه‌های خود حمل می‌کردند، با آهنگ مارش نظامی گام برمی‌داشتند. نوای مهیج این مارش گهگاه با طنین شعارهای «زنده‌باد سیاست لنینی اتحاد شوروی»، «زنده‌باد زنان که در ساختمان کمونیسم‌فعالانه شرکت دارند» قطع می‌شد.

همچنین به‌مناسبت روز اول ماه مه، شعارهایی به‌همبستگی با خلق‌های ایران، افغانستان، ویتنام، کامبوج و فلسطین اختصاص داده شده بود.

ای. و. کابیتونوف، دبیرکمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، درآستانه جشن اول ماه مه، به‌مناسبت برگزاری روز تولد لنین، نطقی ایراد کرد که عنوان آخرین قسمت از سخنان وی «خط‌مشی لینینی مبارزه در راه صلح و پیشرفت اجتماعی» بود. وی اعلام کرد: «عصر ما، دوران تحولات اجتماعی در بسیاری از کشورهاست. همه خلق‌ها، چه در آسیا، چه در افریقا و چه در آمریکای لاتین، آرزو دارندکه حاکم سرنوشت خود باشند».

کابیتونوف در بیان همبستگی مردمان در سراسر جهان و ارتباط سرنوشت خلق‌ها در قاره‌ها و کشورهای مختلف تصریح‌کرد: «هنگامی‌که نظامی بی‌دادگر سرنگون می‌شود، از این رهگذر به‌تنها مردمی که در زیر یوغ آن‌ها رنج می‌بردند، بلکه‌به‌طور کلی، امر صلح و پیشرفت تمام بشریت بهره‌مند می‌شوند».

خبرگزاری فرانسه، با استناد به‌گزارش خبرگزاری عراق، اعلام کرد که به‌مناسبت برگزاری مراسم جشن کارگری اول ماه مه، نیم میلیون نفر در بغداد رژه رفتند. در خلال این مراسم، عکس‌های سادات به‌علت خیانت وی به‌ملت‌های عرب وفلسطینی‌ها و مردم مصر سوزانده شد. تظاهرکنندگان پرچمهای فلسطین و همچنین شعارهایی حمل می‌کردند که در آن تاکید شده بود که «کارگران عراق مصمم هستند دوشادوش طبقه کارگر سراسر جهان عرب با محو کامل این خیانت به‌مبارزه ادامه‌دهند». چند هیئت نمایندگی از کشورها و سازمان‌های دوست و اعضای هیئت‌های سیاسی مقیم عراق نیز در این تظاهرات شرکت کرده بودند.

روزنامه نشرین، چاپ سوریه، به‌مناسبت روز اول ماه مه از طبقه کارگر سوریه و سراسر جهان خواست که از مبارزه ملت‌های عرب با امپریالیسم، صهیونیسم ورژیم خیانت‌کار سادات پشتیبانی کنند. روزنامه نیمه‌رسمی الثوره، چاپ دمشق، نیز اعلام کرد که همبستگی کارگران عرب و طبقه کارگر مصر برای سرنگونی رژیم تسلیم طلب انور سادات، ضرورت دارد.

در دو کشور خاورمیانه، برگزاری مراسم روز کارگری با خشونت نظامات حاکم مواجه شد. خبرگزاری‌ها گزارش دادند که در خلال بیست و شش ساعتی که در ترکیه، برای اجرای مقررات منع عبور و مرور و جلوگیری از برگزاری مراسم روز کارگری اختصاص یافته بود، عده‌ای به‌اتهام شرکت در تظاهرات اول ماه مه دستگیر و صدها نفر از حزب کارگران ترکیه در شهرهای استانبول و آنکارا بازداشت شدند. در این مدت زره‌پوشها و واحدهای نظامی در نقاط استراتژیك موضع گرفته بودند، چون که رهبران کنفدراسیون سندیکاهای ترقی‌خواه کارگری ترکیه، علی‌رغم این منع عبور و مرور، اعلام کرده‌بودند که تظاهراتی به‌مناسبت روز اول ماه مه برپا خواهد شد.

در پاکستان، براثر حمله اعضای حزب راست‌گرای افراطی این کشور(و البته با موافقت مقامات نظامی حاکم) به‌صفوف کارگران، دست‌کم بیست و چهار نفر مجروح شدند. حمله‌کنندگان، در مینینگی که از طرف کنفدراسیون کارگران‌مطبوعات در راولپندی تشکیل شده بود، نفوذکردند و براثر پرتاب بمب‌های دستی و تیراندازی با تپانچه، این حادثه را به‌وجود آوردند. هفت روزنامه‌نگار و چهارنفر زن از جمله زخمی‌شدگان هستند.

سخنرانی سادات و خوشنودی بگین

انورسادات نظامی که به‌اصطلاح به‌مناسبت اول ماه مه ایراد کرد، کار دشمنی با خلق فلسطین و سازمان آزادی‌بخش فلسطین را به‌جایی رساند که گفت: «سازمان آزادی بخش فلسطین نمی‌تواند مدعی حقی برساحل غربی رود اردن و غزه باشد». این «آب ریختن در آسیای اسرائیل»، البته می‌بایست موجبات خوشنودی و رضایت خاطر مناخیم بگین را فراهم آورد. بنابراین نخست وزیر اسرائیل حق داشت که لحن «محکم» سادات را در مطالبی که در خلال این سخنرانی درباره فلسطینی‌ها و دولت‌های عرب بیان کرد، بستاید! بگین در ضمن مصاحبه‌ای با رادیو اسرائیل گفت: «من این گفته او را شنیدم که روش منفی این دولت‌ها در قبال پیمان صلح اسرائیل و مصر، مانع پیشروی او در راه مصالحه با اسرائیل نخواهد شد». بگین سپس اعلام کرد: این «سخنان محکم» سادات، اسرائیل را غرق در شادمانی کرده است! و من خود نیز واقعا مسرور شدم، چون که بی مصر، سایر کشورهای عرب نمی‌توانند موجودیت ما را به‌خطر افکنند». مناخیم بگین همچنین تصریح کرد: «بنابراین یك‌بار دیگر باید تکرار کنم که پس از این سخنرانی پرزیدنت سادات، مسئله ادامه حیات ما در این ناحیه دیگر مورد تردید نخواهد بود. اینك دگرگونی مهمی در خاورمیانه به‌وقوع پیوسته است».

نخستین واکنش در برابر این سخنرانی سادات، از ناحیه یکی از سخنگویان‌سازمان آزادی‌بخش فلسطین ابراز شد. وی گفت که این سازمان به‌تضمین سادات، که نماینده خلق فلسطین نیست، نیازی ندارد. او مارشال پتن اعراب است و از طرف مردم مصر به عنوان یك خائن به امر اعراب و فلسطین و بیت‌المقدس محکوم خواهد شد. گسترش واکنش‌های مخالفت‌آمیز داخلی در برابر این روش خائنانه سادات، باعث تشدیدسرکوبی نیروهای ترقی‌خواه مصر از طرف مقامات این کشور شده است.

تاس خبرگزاری شوروی، اعلام کرد که این «سرکوبی» از جمله تدابیر وسیعی است که برای ریشه‌کن ساختن هرگونه مخالفت داخلی با قرارداد ننگین صلح مصر و اسرائیل و سیاست اقتصادی دولت، اتخاذ شده است، و همین سیاست وضع مادی‌کارگران مصری را وخیم‌تر کرده است.

اجتماع شرکای جرم و ناقض‌العضوها و ادامه فجایع خاورمیانه

مناخیم بگین در مصاحبه‌ای با رادیو اسرائیل گفت که از سایروس ونس، وزیر امور خارجه امریکا، دعوت کرده است که در ملاقاتی که او خود با انورسادات درظهر العریش خواهد داشت، شرکت کند. بگین همچنین گفت که پیشنهاد کرده است که ناقض‌العضوهای جنگ سال ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل نیز در العریش با یکدیگر ملاقات کنند و سادات نیز این پیشنهاد را پذیرفته است!

همزمانی این دو ملاقات با بمباران اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی از طرف توپخانه اسرائیلی‌ها و نیروهای راست‌گرای لبنان، نکته‌ای است درخور تامل با توجه به روش کنه اسرائیل و شرکای جرم مسیحی و حامیان امپریالیش در پیش گرفته‌اند، خاورمیانه در آینده ناقض‌العضوهای بیشتری برای تزیین دادن این‌گونه «کمدی ملاقات»ها خواهد داشت.

لکن در جهان ما نیروهای بالنده و فزاینده‌ای هستند که راه را بر تجاوز و تجاوزکاران سد می‌کنند.

عبدالفتاح اسماعیل، رئیس جمهوری دموکراتیك خلق یمن، در نطقی که به‌مناسبت روز اول ماه مه در آدیس‌آبابا ایراد کرد، گفت: «امریکا، اسرائیل و دولت مصر برآنند که متفقا با سیاست دولت‌های ترقی‌خواه خاورمیانه و افریقا بستیزند. لکن یمن و اتیوپی بالاتفاق خواهند کوشید تا این نقشه‌ها را نقش برآب سازند و علاقی دوستی را که کشورهای سوسیالیست را به‌هم می‌پیوندد، استحکام بخشند».

دوستی با دشمنان پیشین و دشمنی با دوستان دیرین

به‌دنبال دیدار اخیر لی‌سینجر، وزیر خارجه سابق امریکا، از چین وعده‌اکرانی که کمه شد در پرده‌ای عظیم مرارداده به‌گزارش یونایتدپرس، یك هیئت نظامی امریکایی برای تحسین‌پدر دو سی سال اخیر وارد چین شد. سنارت امریکا در یکن اعلام کرد که یك هیئت پانزده نفری از دانشگاه پنداند ملی واشنگتن، که شعبه وزارت دفاع امریکاست، به‌پایتخت چین وارد شد و از دانشگاه نعمانی و سایر موسسات نظامی این کشور بازدید کرد. از طرف دیگر یك هیئت صد و پنج نفری از موسسه بررسی‌های علمی پنداند ملی فرانسه نیز به یکن وارد شده است.

اتحاد سوری بدرسی اعلام کرد که زمامداران پکن به‌انحطاط اخلاقی و سیاسی دچار آمده‌اند، زیرا که هدف سیاست رهبران چین، حرآلدری در دشمن‌دایی ومبارزه با اصاء شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های آزادی‌بخش است. روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی، نوشت که رهبران چین در ضمن گسترش روابط خود با دولت‌های عربی، اعادی خود را برای اتحاق به‌استراتژی امپریالیسم علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی اعلام می‌کند و نمونه بارز این سیاست، حمله چین به جمهوری سوسیالیستی ویتنام است.

گواه این نوشته پراودا مطلب بهت‌آمیزی است که منتشرشیالوپیتنت اخیرا بیان کرده است، معاون نخست‌وزیر چین، ویتنام را تهدید کرد که اگر به «تحریکات» خود در مرز چین ادامه دهد، «درس» دیگری به‌آن دولت خواهد داد. مصداق این روش چین، مثل معروف عربی است که می‌گوید «ضرب بنی و بکی، سمعنی واشکی» (مرا زد و گریست، سمت جست و شکایت کرد!). چین خود دست به‌تحریك و حمله می‌زند و شکست آن که طرف مورد تجاوز را متهم به‌تحریك می‌کند! و شگفت‌تر آن که وی این مطلب را در گفت و گویی باکورت‌والدهایم بیان کرده است!

در اینجا با توجه به‌این‌دعاوی چین، بجا است که این اعتراف یك مقام سابق سفارت چین در کامبوج را مبلاك داوری و استنتاج لازم قرار دهیم. به‌گزارش اسوشیتدپرس، وی گفته است: حکومت چین تقریبا پانزده هزار نفر کارشناس نظامی و «کشاورزی» و مشاورین زیادی اسلحه به کامبوج فرستاده بود» (البته برای جنگ با ویتنام). این مقام چینی سپس اعتراف کرد که دولت متبوع وی همچنین «دویست دستگاه تانك، سیصد عراده توپ، شش فروند هواپیمای شکاری و دو فروند بمب‌افکن به رژیم خمرسرخ داده بود. لکن سرسختی رژیم پول‌پوت و سوء استفاده از کمك‌های چین به‌سقوط رژیم وی انجامید!».

واقعیت آمریکا از زبان سردمدارانش

کسانی‌که در دوران سیاست امریکا اخیرا، به‌علت شکست‌های متوالی و مکرر، در باره نحوه اعمال نفوذ و تسلط و بقای سلطه استعماری امریکا در بعضی ازکشورها اختلاف سلیقه پیدا کرده‌اند. کی‌سینجر وزیر خارجه پیشین لیکن و فورد، که از انقلاب‌های ایران و نیکاراگوئه و اتیوپی برانگیخته و خشمگین است، اخیرا اعلام کرده است: «وقوع این انقلاب‌ها بدان معنی است که وقایعی علیه امریکا در جریان است.» با توجه به‌مطلبی که اخیرا سایروس ونس در پاسخ وی گفته است و در ضمن مرور در روش سنتی امریکا در مستمسك‌تراشی برای تجاوز، می‌توان گفت که بهدید به‌مداخله مسلحانه، در لابلای گفته کی‌سینجر نهفته است. ونس ظاهرا مداخله مسلحانه را به عنوان «سیاستی نامطلوب در برابر سیاست‌های داخلی کشورهای دیگر» توصیف کرد. وی همچنین گفت: جهان در حال رشد، در آستانه یك سلسله دگرگونی‌های عمیق و سریع قرار گرفته است و «باید کوشید تا این دگرگونی‌ها خلاق باشد». (از این «باید کوشید» هم رایحه نوعی دیگر از مداخله به‌مشام می‌رسد!).

جیمی کارتر، رئیس جمهوری امریکا، که ادعاهای او در زمینه دفاع ازحقوق بشر و تشنج‌زدایی و نظایر آن در زمین و آسمان نمی‌گنجد، در ضمن این اعتراف که «کار ایستگاههای جاسوسی امریکا در ایران، رویایی فعالیت‌های موشکی شوروی و جمع‌آوری اطلاعات درباره این کشور (و به‌گفته آیت‌الله امام خمینی، بدزیان ایران) بوده»، گفت: «امریکا می‌تواند با وجود از دست دادن ایستگاههای جاسوسی خود درایران، اجرای کامل مقررات پیمان سالت ۲ را از طرف اتحاد شوروی زیر نظر گیرد (لابد این بار هم بدزیان کشوری دیگر، مثلا ترکیه!).

ادوارد کندی، سناتور دموکرات، در افشای ماهیت سیاست داخلی ضد مردمی کارتر گفت: «رئیس جمهوری امریکا توصیه کرده است که کنترل قیمت نفت داخلی امریکا لغو شود تا بهای نفت داخلی با قیمت نفت سایر کشورها برابر شود». کندی متذکر شد که «این اقدام بدزیان کارگران و سالمندان امریکاست».

لیبرال‌های امریکا، به‌رهبری ادوارد کندی، افشا کردند که کارتر این تصمیم را زیر فشار شرکت‌های نفتی و بسود آن‌ها اتخاذ کرده است.

چه کسانی می‌توانند نژادپرست باشند

در اعلامیه وزارت خارجه کشور ما آمده است که: «... اسف موزورو، رهبر حزب شورای ملی اتحاد افریقا زیمبابوه، که با سازش با یان‌اسمیت... به‌مقام نخست وزیری رسید، نه‌تنها از لحاظ مالی و تعلیم مامورین امنیتی وی توسط ساواك، از جانب رژیم سابق ایران حمایت می‌شد، بلکه مخارج خصوصی و تحصیلی فرزندان وی نیز درکشورهای خارج، از بیت‌المال مردم مستضعف ایران تامین می‌گردید...»!

و البته چنین دولت پوشالی باید مورد حمایت امپریالیست‌های امریکایی، انگلیس و فرانسوی باشد. شورای امنیت سازمان ملل متحد انتخابات اخیر روذزیا را کان‌لم‌یکن و پوشالی اعلام کرد و ضمن تصویب قطعنامه‌ای تاکید ورزید که همه کشورهای عضو سازمان ملل باید مجازات‌های اقتصادی مقرر برضد رژیم روذزیا را کاملا رعایت کنند. لکن امریکا، انگلیس و فرانسه به‌این قطعنامه رای ممتنع دادند!

نفاق‌افکنی...

و نمی‌تواند ونیمه اتحاد همه رزمندگانی بشود، که ایران عزیز را از وجود دشمنان خونخوار داخلی و خارجی‌رادمی‌خواهند؟ کدام اصلی و اساسی است؟ مبارزه بسرمند دشمن متترکی که آیت‌الله مطهری را در خون می‌غلطاند و یا اختلافات عقیدتی؟ بهتر نیست همه در کنار هم، اول ریشه دشمن قوی پنجه و مشترك را بکنیم و بعد هرکسی متاع خود را عرضه کند وخریدار، یعنی خلق، قاضی عادل‌آخرین را، از انتخاب متاعش آزاد بگذارد؟ آیامنداانقلاب تنها بدان علت که عمل نفاق‌افکنانه‌عده‌ای به‌آن فرصت تسلط مجدد داده است، رحم خواهد کرد؟ چه اشتباه بزرگی! هر انقلابی صدیق منحیی باید بداند که این دشمن، اگر فرصت یابد، با همان گلوله‌ای که مغز کمونیست و توده‌ای‌را از هم می‌پاشد، جسم منحیی انقلابی را نیز منبك خواهد ساخت.

آنتی کمونیزم، همیشه و در هرجا، برنده‌ترین حربه‌ای امپریالیزم، و ابزار دست آن برای تفرقه افکندن و حکومت کردن بوده است. ما جدا تمام مسلمانان راستین و انقلابی را از افتادن در چنین دامی، برحذر می‌داریم، بخصوص در لحظاتی که همه ما، بدون استثنا، یك دشمن مشترك زخم خورده و همان اندازه خطرناك داریم.

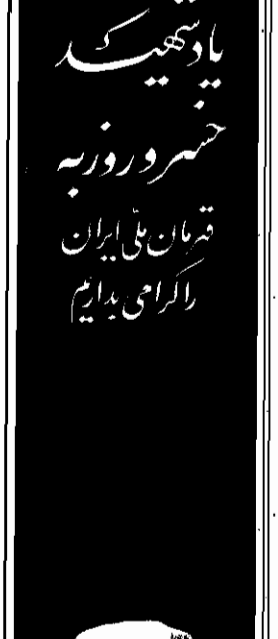

از کمك شما سپاسگزاریم

رفیق ودوست ۱۲ ساله‌عزیز " و ۰ م ۰ ۰
هدیه ۴۰۰ تومانی ات رسید ۰
ازصمیم‌قلب سپاسگزارم

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی فرقهٔ دموکرات آذربایجان ـ سازمان حزب تودهٔ ایران در آذربایجان

اخیرا عناصر ضد انقلابی از متانت انقلابی خلق آذربایجان و از علاقه صمیمانه و اعتماد راسخ آن به یگانگی و یکپارچگی همه نیروهای راستین انقلابی و بدل کوشش بی‌دریغ آن برای مستقل کردن نیروهای دموکراتیک و صدامپریالیست، سوء استفاده کرده و فعالیت تخریبی خود را گسترش داده‌اند.

یادآور به‌منظور جلوگیری از تشکیل جبهه متحد خلق، قوانین پوسیده رژیم سابق را در مورد «غیرقانونی بودن» حزب تودهٔ ایران از کورستان تاریخ بیرون می‌کشند. روز دیگر درباره جشن حماسه آفرین ۲۱ آذر، که در تاریخ مبارزات خلق‌های ایران، به‌ویژه خلق آذربایجان، با خط طلائی ثبت گردیده است، تهمت و افتراهای سخیف شده محمدرضا شاه مخلوع و دستگاه‌های تبلیغاتی او را بازگو می‌کنند. روز بعد در مقدمه پیش خلق‌های کرد و آذربایجان که از دیرباز میثاق انقلابی ناگسستنی داشته‌اند، جنجال برادر کشی به‌راه می‌اندازند و...

هیچ یک از این تحریکات خلق مسور آذربایجان را، که دارای تجربیات وسیع پرافتخار انقلابی است، نمی‌تواند از راه درستی که درپیش گرفته، منحرف سازد. اما ضد انقلاب از اعمال خرابکارانه‌اش دست‌بردار نیست.

از عناصر ضد انقلاب، که متاسفانه هنوز دست و بالشان بحد کافی بازاست، حادثه‌سازی غیر منتظره نیست. در این‌مورد حزب‌ما بارها هشدار داده است. جای تاسف و تاسف اینجا است که نشریه‌ای، که پس از سرنگونی رژیم منفور پهلوی، بعد از ۳۳ سال، در داخل کشور به‌طور علنی به‌زبان مادری خلق آذربایجان منتشر می‌شود و هدف اصلی خود را مبارزه در راه اتحاد همهٔ نیروهای مترقی و مبارز برای پیشرفت انقلاب خلق‌های ایران قرار داده است، در روز روشن مورد تهاجم قرار می‌گیرد.

جریان حادثه ناگوار اخیر از این‌قرار است:

در شب اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان، در حدود ساعت ۱۸، ابتدا همه بسیار ناچیزی افراد ناشناس و مشکوک، ولی سازمان یافته در مقابل دفتر نشریه هفتگی آذربایجان (تبریز، میدان نماز، اول کوچه انجمن) تجمع کردند و به‌منظور تحریک احساسات میهنی و مذهبی همشهریان و به‌ویژه کسبه محترم ناحیه، دست به‌حرکات ضد انقلابی و سخنان تحریک‌آمیز زدند. احتمال آن می‌رفت که هرلحظه به‌دفتر روزنامه آذربایجان، که از طرف رژیم طاغوتی گسسته از حق انتشار علنی محروم گردیده بود، حمله شود. به‌منظور جلوگیری از هرگونه حادثه ناگوار، مسئولین دفتر به ناحیه ۶ کمیته واقع در خیابان شریعتی (شهناز شمالی سابق) مراجعه کردند و آن‌ها را در جریان حادثه گذاشتند. متاسفانه مسئولین کمیتهٔ مزبور برای این امر مهم هیچ‌گونه اهمیتی قائل نشدند. با استفاده از این برخورد علی‌الوبه، چند فرد ناشناس به‌نام مامور کمیته سرزده داخل دفتر شدند و شعارهای «زنده‌باد جشن اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران» و «هرنوع مانع امپریالیسم و صهیونیسم در میهن ما باید ریشه‌کن شود» را از دیوار کندند. فاجعه از طبیعه چهارم

بقیه در صفحهٔ ۶

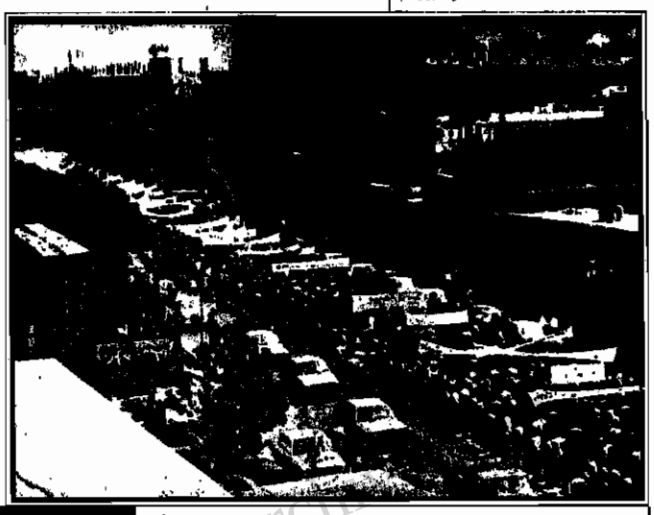

مبارزهٔ قاطع و عاجل با بیکاری یک وظیفهٔ مهم و مبرم است

ضدانقلاب درصدد سوءاستفاده از حدت مسئلهٔ بیکاری است

بعضی از مقامات، اجرائی مدعی‌اند که دارند مشکل بیکاری را رفع می‌کنند و حتی نخست وزیر، در مصاحبه با خبرنگار فرانسوی، از ناخش سریع بیکاری سخن گفت. اگر چنین می‌بود، باعث نهایت خشنودی در درجه اول خود بیکاران و همچنین همه مردم می‌شد و با ممارضات و تاکیدات امام نیز در مورد توجه به‌وسیع درمانده‌ترین قشرهای مردم زحمتکش تطبیق می‌کرد. ولی‌متاسفانه واقعیات نشانه ادامه و تشدید این بلیه بزرگ است، بلیه‌ای که کارد را به‌استخوان توده کثیری از محروم‌ترین افراد کشور ما رسانده‌و در خانواده‌های بسیاری گرسنگی و محرومیت و به دنبال آن اعتراض و خشم آفریده است.

برای رفع هرگونه سوء تفاهمی بگوئیم که البته ما مدعی نیستیم می‌توان ملی یک همه یا یک ماه و یا یک ترمش قدم مسئله‌ای چنین بغرنج و چندجانبه را حل و فصل کرد، و بعد البته معتقدیم که علاوه بر برخی تصمیمات تعریضی، باید رسته تدابیر مختلف و صنوع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و سازمانی دراز مدت برای حل آن لازم است. ولی در این گفته، باید برروی یک نکته تکیه کنیم و این مسئله بسیار مهم را خاطرنشان سازیم که مسئله حاد بیکاری، علاوه بر جواب اقتصادی و روندی روزانه دردناک بیکاران، دارای ابعاد سیاسی بسیار بزرگی است و از این نظر، تا حد تعیینی، با سرنوشت انقلاب ایران و اجتماعی پیدا می‌کند.

بدیهیست قبل از توضیح این نکته مهم به‌یک واقعه اشاره کنیم: برای عده‌ای از کارگران، پس از ماه‌ها بیکاری، کاری پیدا شد. وقتی آن‌ها به‌سوی محل کار، در همین مرکزی تهران، می‌رفتند، گروهی سرراهشان ظاهر شدند و تهدید که حاضرید، مثلا و مثلا، ۱۲۵ تومان روزانه بپذیرفتی بدهند که سر کار بروید و همچنان بیکار باقی بمانید! از اینجا (آقای به‌اصطلاح استاد دانشگاهی که سر کرده بود، صدها هزار تومان وجه بعد کشف شد. این خبر چه نشان می‌دهد؟ این را نشان می‌دهد که محافلی ـ آن هم محافل مشخص و فعال و باسابقه‌روبی ـ حاضرند به‌هرقیمتی شده کاری کنند که بیکاری ادامه یابد و همزمان با آن تولید دچار وقفه باشد و بی‌نظمی و سرگردانی، که احتمالا می‌تواند موجب برخورد و هرج‌ومرج شود و به جبهه دیری و مطالب عمومی منجر شود، حکمفرما گردد. نکته‌ای که نباید از آن غافل بود همین است که، از این مسئله حیاتی برای میلیون‌ها بیکار، مسئله‌ای که در آن مرگ و زندگی کارگر و خانواده او مطرح است، محافلی می‌خواهند و می‌کوشند سوءاستفاده کنند. این محافل چه کسانی هستند جز ضدانقلابی‌ها، سرسپردگان رژیم منفور ساقط شده و کارگزاران سازمان جاسوسی آمریکا و سرمایه‌داران وابسته به‌امپریالیسم؟ این‌ها هستند آن محافلی که نمی‌گذارند چرخ‌های مملکت به‌حرکت عادی باز افتد و با تزریق به خارجه، با قطع تولید، کار را می‌خواهند و حتی با اتومبیل پرپول سر راه می‌ایستند تا با پرداخت معادل دستمزد چند روز کار، از کار کردن جدی جلوگیری کنند. این محافل نقشه‌های خطرناک و پلیدی در سر دارند. آن‌ها با سوء استفاده از شدت بیکاری و عواقب بسیار دشوار آن، می‌خواهند احساسات و خشم

بقیه در صفحهٔ ۶

کارگر مذهبی هم به‌حزب خود وفادار است

در قائم‌شهر (شاهی سابق) در روز اول ماه مه عده‌ای «پوستر پاره‌کن» پیدا شدند که کارشان کندن و پاره‌کردن پوسترهای حزب تودهٔ ایران به‌مناسب اول ماه‌مه‌بود. از جمله پوسترهای جلوی در ورودی کارخانه نساجی شماره ۱ را کندند. بلافاصله دونفر از کارگران، از داخل کارخانه بیرون آمدند، پوسترها را ازدست «پوستر پاره‌کن»ها بیرون کشیدند و از چسبیدن چسب درآوردند که پوستر هارا دوباره بچسبانند. چون چسب به‌دیوار نمی‌گرفت، «پوستر پاره‌کن»ها کارگران را مسخره می‌کردند و به‌آن‌ها می‌خندیدند. کارگران به‌آن‌ها گفتند:

ما مسلمان هستیم، نمازمان را از شما بهتر می‌خوانیم، ولی به‌حزبمان وفاداریم. کاری که حزب ما کرده و خواهد کرد، کاری است که از دست هیچکس برنمی‌آید. شماها فقط داد و بیداد راه می‌اندازید و فحش می‌دهید. چقدر کار برای ما می‌کنید؟ هیچ! حزب ما بود که حق کارگران را از چنگ دزدان درمی‌آورد. آن زمان شما زنده هم نبودید و...

توطئهٔ سکوت در مورد حزب تودهٔ ایران

تبلیغات ضدتوده‌ای، دشنام‌گوئی و اتهام‌زنی هرچه پر سروصداتر علیه حزب تودهٔ ایران از جانب امپریالیسم و ارتجاع تازگی ندارد. عجیب هم نیست. حزبی که سرسخت‌ترین و بی‌گیرترین نیروی ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی بوده و هست، باید هم مورد کینه و نفرت دشمنان مردم ایران قرارگیرد. این نشانه خصلت مردمی حزب تودهٔ ایران است.

ولی توطئه سکوت در مورد حزب تودهٔ ایران، آن‌هم پس از پیروزی انقلاب مردم ایران، آن هم از جانب ارگان‌هائی که زاده این انقلاب‌اند، تازگی دارد. عجیب و غیرطبیعی هم هست. به‌ویژه آن که این توطئه سکوت با تبعیض هم همراه است. یعنی ارگان‌های دولتی درباره همه سازمان‌های سیاسی صحبت می‌کنند، و به‌طور کلی مثبت هم صحبت می‌کنند، ولی درکنار حملات و نیش‌های مستقیم و غیرمستقیم به حزب تودهٔ ایران ـ غالبا در مورد فعالیت و نظریات حزب تودهٔ ایران سکوت اختیار می‌کنند.

مثلا آقای نخست‌وزیر، هنگامی‌که از سهم سازمان‌های سیاسی در پیروزی انقلاب مردم ایران سخن می‌گوید، از همه نام می‌برد، جز حزب تودهٔ ایران. ما هم سهم این سازمان‌ها را در پیروزی انقلاب ایران تائید می‌کنیم. ولی سکوت درمورد حزب تودهٔ ایران، حزبی که ـ اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم ـ همواره زیر شدیدترین فشارهای امپریالیسم و رژیم پهلوی قرار داشته، حزبی که به‌خاطر مبارزه‌اش در راه استقلال و آزادی ایران، هزارها زندانی، هزارها تبعیدی و صدها کشته داده، حزبی که در پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران بدون تردید سهم برجسته‌ای داشته ـ آری، سکوت درباره چنین حزبی چه معنی دارد؟ آیا آقای نخست وزیر می‌خواهد این مبارزه‌ها، این فداکاری‌ها، این قربانی‌ها را نفی کند؟! یا آقای نخست‌وزیر واقعاً تصور می‌کند که حزب تودهٔ ایران ـ طبق قوانین رژیم طاغوتی ـ «غیرقانونی» است؟!

و یا این‌که رادیو تلویزیون، اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌ها و اظهارنظرها و پوسترهای همه سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی را پخش می‌کند ـ و باید هم بکند ـ جز حزب تودهٔ ایران. و این سکوت و تبعیض آشکار، در جریان جشن اول ماه مه بیش از هر زمان دیگری بچشم خورد. این سکوت‌وتبعیض دربارهٔ حزب تودهٔ ایران از جانب رادیو تلویزیون چه معنی دارد؟ آیا می‌خواهند بگویند، این قدیمی‌ترین حزب سیاسی ایران اصلا وجود ندارد؟! و یا این که می‌خواهند از آقای نخست‌وزیر تبعیت کنند؟!

در آنچه که مربوط به‌ما است، باید بگوئیم که اگر ترور رژیم جنایت‌کار پهلوی نتوانست حزب تودهٔ ایران را «منحل» کند، اگر دشنام‌گوئی و اتهام‌زنی نتوانسته و نمی‌تواند از اعتبار نفوذ حزب تودهٔ ایران بکاهد، به‌طریق اولی توطئه سکوت درباره حزب تودهٔ ایران هم نخواهد توانست، حزب طبقهٔ کارگر ایران را از صحنه سیاست ایران خارج کند. خوبست کسانی که توطئه سکوت در مورد حزب تودهٔ ایران را به‌راه انداخته‌اند، بیندیشند که حزب ما را با هیچ نیروئی و با هیچ توطئه‌ای نمی‌توان از توده‌های مردم جدا ساخت. تنها نتیجه‌ای که از این‌توطئه‌ها حاصل می‌شود، تضعیف جنبش انقلابی مردم ایران است، که فقط می‌تواند دشمنان مردم ایران، امپریالیسم و ارتجاع، را شاد کند.

نمایشگاه به‌یاد شهیدان راه آزادی واستقلال ایران

به‌مناسبت بیست و یکم اردیبهشت، سالروز شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی و عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، نمایشگاهی به‌یاد شهیدان راه آزادی و استقلال‌ایران تشکیل خواهد شد. از همه اعضا، هواداران و دوستان حزب، از همهٔ مبارزان راه آزادی و استقلال‌ایران، از همهٔ مطلعین خواهشمندیم عکس و هر اطلاعی درباره زندگی، پیکار و شهادت مبارزان شهید دارند و یا می‌توانند به‌دست آورند، هرچه زود تر در اختیار دفتر «مردم» قرار دهند.

با سپاس فراوان

مردم

تصحیح و پوزش «پیغام امروز»

در روزنامه پیغام امروز مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۵۸ در نقل قول مصاحبه مطبوعاتی رفیق کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، تحریفی انجام گرفته بود که در «مردم» مورخ ۲۹ فروردین ۱۳۵۸ تذکر داده شد. اینک روزنامهٔ پیغام امروز، مورخ اول اردیبهشت ۱۳۵۸، توضیح می‌دهد که این تحریف «اشتباه چاپی ناشی از جابه‌جایی سطرها یاافتادگی کلمات در مطالب روزنامه» پیش آمده و «از خوانندگان بابت اشتباه اجتناب‌ناپذیر چاپی پوزش» خواسته است.

به‌پخش هرچه وسیع‌تر «مردم» کمک کنید

کمک به‌توزیع و پخش هرچه وسیع‌تر روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب‌تودهٔ ایران، یک وظیفه انقلابی و مترقی است. از کلیه دوستان، هواخواهان و دادطلبان که برای پیشبرد این هدف، در هرنقطه از تهران یا هرنک از شهرها و روستاها، امکاناتی دارند، تقاضا داریم با دفترمرکزی «مردم» تماس بگیرند.

کشاورزی ایران را باید احیا کرد، چگونه؟

هیچ‌کس نیست که نداند رژیم شاه مخارج چه بر کشاورزی ما آورده و چگونه کشاورزی ما را با سیاست‌های ضدملی و ضد دهقانی خود نابود کرده، تاجائی‌که ایران‌را با آنهمه منابع متنوع و غنی از نظر مواد غذائی و مواد اولیه کشاورزی نیز محتاج خارجه ساخته است. به‌قول مردم، محمدرضا، ایران را از کشور کشاورزی به‌کشور مونتاژ بدل کرد و حالا نه‌کشاورزی داریم نه‌صنعت، هم کشاورزان ما بیچاره‌اند هم کارگرانمان محتاج.

بر روی این زمینه که به‌صورت ارثی شوم از رژیم مطرود به‌جای مانده، رخدادهای ناشی از تحولات ماه‌های اخیر برحدت مسئله افزوده است. برخی عناصر ضدانقلابی سربلند می‌کنند و مالکان بزرگ دسته‌های چماق‌دار و حتی تفنگدار (درآذربایجان) اجیر کرده دهقانان را از زمین بیرون می‌کنند (در دشت گرگان) عدم اعلام برنامهٔ ارضی دولت به‌اخلالگران میدان داده و ناروشنی سیاست کشاورزی کشاورزان را از انگیزه‌های تشویقی محروم کرده است، برخی تصمیمات دوپهلو و مبهم مقامات اجرائی بویژه در زمینه مالکیت زمین، کار را تسهیل نکرده است. علاوه براین‌ها اگرچه نزولات آسمانی خوشبختانه رضایت‌بخش است، ولی به‌علت نبودن گازوئیل در موقع شخم، سطح کشت‌تا اندازه‌ای محدود شده، برخی بیماری‌های دامی و گیاهی ضرباتی به‌کشت و بخصوص پرورش گوسفند وارد ساخته است و نداشتن وام به‌موقع دست و بال عده زیادی از دهقانان را بسته است.

احیای کشاورزی به‌یک مسئلهٔ درجه‌اول میهن ما بدل شده، چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی و سیاسی باید کشاورزی و دامداری ما رونق شایسته بیابد، باید تا حد ممکن از وابستگی کشور به‌واردات چنین محصولاتی کاسته شود، باید زندگی کشاورزان، که اکثریت مردم ایرانند، ازبیخ وبن دگرگون گردد و آنان از چنگال ستمگری و فقر و عقب‌ماندگی نجات یابند، باید به‌جای سیل آوارگان روستائی، که به‌شهرها می‌آیند، انگیزه‌های نیرومند کار و اقامت در روستاها فراهم شود. همهٔ این بایدها چنان حاد و چنان حیاتی است که بارها امام خمینی، مقام رهبری انقلاب، براهمیت آن تکیه کرده و ضمن تشویق کشاورزان به‌کشت، توجه مقامات را به‌حدت موضوع جلب‌کرده است.

اما برای برآورده ساختن نیاز حیاتی کشور و خواست قاطبهٔ مردم و دهقانان زحمت‌کش و تشخیص صائب امام برنامه درست و دقیق و حساب شده لازم‌است. متاسفانه باوجود آن‌که مقامات دولتی بارها صحبت از برنامه‌های دراز مدت و کوتاه مدت کرده‌اند، ولی به‌بهانه این‌که دولت موقتی است، راه‌وروش روشن و صریحی را که حل‌کنندهٔ مسئله باشد، ارائه نکرده‌اند. حزب توده ایران در این زمینه نیز صراحتاً و به‌روشنی می‌گوید که

بقیه در صفحهٔ ۴